

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۲

جمعه ۹ آذر ۱۳۹۷، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸

فولاد اهواز:

"ما کارگران آهنیم، ریشه ظلمو میکنیم"

امروز هفتم آذرماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در نوزدهمین روز اعتصاب گسترده و تجمعات اعتراضی شان در مقابل استانداری تجمع کردند و سپس سیل جمعیت کارگران به طرف خیابانهای شهر به حرکت در آمد. در تجمع مقابل استانداری کریم سیاحی یکی از کارگران با فریاد اینکه من تعجب میکنم، اینهمه بیداد، تاکی! تا کی! سخنرانی کرد و بر خواستهای کارگران تاکید نمود. یک صحنه باشکوه این حرکت عبور صف بزرگ کارگران از پل نادری و حرکت جمعیت بزرگ آنان در خیابانهای شهر با شعار "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر" بود. کارگران با شعارهایشان مردم شهر را به پیوستن به صفوف خود فرامیخوانند. از جمله شعارهای دیگر کارگران در این روز عبارت بودند از "کارگر میبیرد، ذلت نمی پذیرد"، "ته حاکم، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "ما کارگران آهنیم ریشه ظلمو میکنیم"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم". در این تجمع کارگران بنرهایی در دست داشتند که در میان آنها بنری با نوشته "کارگر بیدار است، از استثمار بیزار است"، میدرخشید.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز در کنار کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند و یک خواست مهم آنان آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگری و سپیده قلیان است. این کارگران به بساط چپاول صاحبان شرکت که تولید در بخش های مختلف آنرا به تعطیلی کشانده و خطر بیکار شدن آنها در پیش است اعتراض دارند. کارگران گروه ملی همچنین ۴ ماه دستمزد طلب دارند. آنها اعلام کرده اند که تا حششان را نگیرند، دست از اعتراض برندارند. کارگران گروه ملی با شعارهای کوبنده خود بطور واقعی کل بساط ستم، سرکوب، تبعیض، نابرابری و دزدسالاری سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند.

همزمان با تجمع کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این روز همچنین جمعی از بازنشسته های دانشگاه علوم پزشکی اهواز در مقابل استانداری تجمع داشتند.

فعلانه از اعتراضات و خواستهای کارگران گروه ملی اهواز حمایت و پشتیبانی کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ آذر ۱۳۹۷، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸

ورونیکا کراکر و نگاهی به نقد اسلام

یک فراخوان برای نقد رادیکال مذهب

صفحه ۶



همه باهم پیا خیزیم و اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را آزاد کنیم!

۱۲ روز از دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خبرنگار دستگیر شده در جریان اعتصابات هفت تپه میگذارد. اخبار حکایت از شکنجه شدید اسماعیل بخشی است و اعتراضات به دستگیری این رهبر لایق کارگری در ایران و در دنیا با شدت و حدت تمام در جریان است. با گذشت ۱۲ روز از زندانی کردن اسماعیل بخشی اتحادیه های کارگری بین المللی، نمایندگان میلیونها کارگر به این دستگیری اعتراض کرده اند از جمله در این روزهای اخیر

کارگران اتحادیه پست کانادا با برگزاری یک میتینگ اعتراضی و با در دست داشتن شعارهایی در دفاع از خواست کارگران هفت تپه خواهان آزادی بخشی و قلیان شدند. روز پنجشنبه ۲۹ نوامبر صفحه ۲

بازتاب هفته

حسن صالحی: ضربالاجل فیفا به جمهوری اسلامی درباره زنان
کاظم نیکخواه: حکومت چپاول و اقتصاد قاچاق

صفحه ۴

فراخوان ۱۰ سازمان فدرالیستی برای خون پاشیدن به تحولات انقلابی در ایران

صفحه ۳

علی جوادی

دولتهای مرزدار و مردمان بیمرز!

در باره کاروان پناهجویان از آمریکای مرکزی!

صفحه ۵

محسن ابراهیمی

اطلاعیه های حزب: اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان باید فوراً آزاد شوند * بیست و چهارمین روز اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه. تجمع کارگران شرکت آریان فولاد در حمایت از کارگران هفت تپه * نیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه * کارگران نیشکر هفت تپه: ما همه بخشی هستیم * فراخوان به حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز * تجمع بازنشستگان مقابل اداره کار. درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید * فشار به اسماعیل بخشی برای پذیرش اتهامات واهی. علی نجاتی و پیمان نجاتی دستگیر شدند

کمیته بین المللی علیه اعدام: حکومتی که به طناب دار تکیه زده است، قصد اعدام میلاد عظیمی جوان ۲۱ ساله را دارد!

کمپین آزادی اسماعیل بخشی: همه باهم پیا خیزیم و اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را آزاد کنیم! * اطلاعیه شماره ۲ کمپین آزادی اسماعیل بخشی. در پاریس و در کنار برج ایفل، برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان * اطلاعیه شماره ۳ کمپین آزادی اسماعیل بخشی. میتینگ در مرکز شهر کلن فردا شب اول دسامبر * اطلاعیه شماره ۴ کمپین آزادی اسماعیل بخشی. از شوش چه خبر، جمعه ۹ آذر ۱۳۹۷، تجمع کارگران با خواست آزادی کارگران زندانی!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی: ما همه اسماعیل بخشی هستیم! ما همه هفت تپه ای هستیم!

اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان باید فوراً آزاد شوند

پیش از سه هفته است چشم‌ها در سراسر جامعه ایران به شهر کوچک شوش و کارگران هفت تپه دوخته شده است. به کارگرانی که جمع میشوند، فریاد میزنند، حقوقشان را طلب میکنند و به فقر و چپاول و ظلم مفتخوران سرمایه دار اعتراض میکنند. جمهوری اسلامی در وحشت از گسترش این اعتصاب که حمایت وسیع جامعه را در شوش و اهواز و سراسر کشور جلب کرده است، به روال همیشگی نیروهای سرکوبش را سراغ کارگران حق طلب فرستاد. تعداد زیادی از کارگران و از جمله اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران و نیز سپیده قلیان، دانشجویی که برای کسب گزارش به میان کارگران رفته بود را دستگیر و زندانی کرد. تحت فشار اعتراضات، اکثر کارگران را پس از دو روز آزاد کرد اما اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را همچنان در زندان نگهداشته است و طبق گزارشات اسماعیل را بیرحمانه مورد ضرب و شتم قرار داده است تا از او اعترافات واهی بگیرد. گفته میشود که بخشی در زیر شکنجه نیز از کارگران و خواست‌هایشان قاطعانه دفاع کرده است.

هفت تپه امروز قلب ایران است. اسماعیل بخشی صدای همه کارگران است و به نماد جنبش کارگری تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با دستگیری اسماعیل بخشی و رفتار جنایتکارانه با او در واقع با همه مردم

پیش از سه هفته است و باید بدانند که تاوان این گستاخی را با گسترش جنبش سرنگونی خواهد داد. حکومت خود دارد اعتراف میکند که برای دستیابی به حداقل زندگی انسانی، حتی برای اینکه کسی جرات نکند دستمزد و حقوق کارگران و مردم را بالا بکشد، باید این حکومت مفتخوران منفور اسلامی را سرنگون کرد. این حکومت، فقط و فقط حکومت دزدان و مفتخوران و جنایتکاران است.

سرکوبگران فکر میکنند با این سرکوبگری‌ها میتوانند کارگران را مرعوب و ساکت کنند، شورایشان را در هم بشکنند و آنها را دست بسته تحویل کارفرما بدهند تا با هم بچاپند و کارگران را در فقر و محرومیت نگهدارند. کارگران پاسخ کارفرما و پیمانکار و لاریجانی و ارگان‌های سرکوبشان را با راهپیمایی‌های باشکوه و هرروزه خود داده اند. اعلام کرده اند که همه ما اسماعیل بخشی هستیم و از شورایمان مثل مردمک چشم محافظت میکنیم. اعلام کرده اند که کوتاه نمیاییم. میجنگیم و حقوقمان را از حلقومتان بیرون میکشیم.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

سرکوبگران فکر میکنند با این سرکوبگری‌ها میتوانند کارگران را مرعوب و ساکت کنند، شورایشان را در هم بشکنند و آنها را دست بسته تحویل کارفرما بدهند تا با هم بچاپند و کارگران را در فقر و محرومیت نگهدارند. کارگران پاسخ کارفرما و پیمانکار و لاریجانی و ارگان‌های سرکوبشان را با راهپیمایی‌های باشکوه و هرروزه خود داده اند. اعلام کرده اند که همه ما اسماعیل بخشی هستیم و از شورایمان مثل مردمک چشم محافظت میکنیم. اعلام کرده اند که کوتاه نمیاییم. میجنگیم و حقوقمان را از حلقومتان بیرون میکشیم.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

طبق گزارش دیگری امروز به خانه علی نجاتی نماینده سندیکای نیشکر هفت تپه نیز هجوم برده و او را در حضور اعضای خانواده آتش مورد ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان دستگیر کرده اند.

امروز موجی از همبستگی با کارگران هفت تپه در سراسر کشور جریان دارد. این همبستگی‌ها را باید با تمام قوا گسترش دهیم. اعتصاب کارگران هفت تپه باید پیروز شود. باید مفتخوران را عقب برانیم و این سنگر مهم مبارزه کارگران را حفظ کنیم. باید دستگیرشدگان را از دست جنایتکاران بیرون بکشیم و گوشه‌ای از قدرت عظیم خودمان را به آنها نشان دهیم. حکومتیان در باتلاق گیر کرده‌اند. نباید به آنها مهلت بدهیم. وقت تعرض و پیشروی ما است.

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

وقت آن است که همه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتصاب بزنند و همچون دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کنند که "فرزند کارگرانیم"

کنارشان می‌ایستیم". وقت آن است که کلیه مراکز کارگری در سراسر کشور اعلام کنند که بخشی و قلیان و نجاتی‌ها باید فوراً آزاد شوند. انتظار میرود که کلیه نهادها و تشکل‌های مدافع مردم، چهره‌های شناخته شده و پیشرو و همه مردمی که با علاقه و احترام اعتراض کارگران را دنبال میکنند به هر شکل که میتوانند برای آزادی دستگیرشدگان دست به کار شوند. باید اوباش حاکم را مجبور کنیم دستگیرشدگان هفت تپه را فوراً آزاد کنند و به کلیه خواست‌های کارگران پاسخ دهند.

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

حزب کمونیست کارگری کارزاری بین‌المللی را در این راستا به جریان انداخته و از هیچ تلاشی در جهت

اطلاعیه شماره ۲ کمپین آزادی اسماعیل بخشی

در پاریس و در کنار برج ایفل،

برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

IRAN: FREE THEM NOW!

ISMAEL BAKHSHI, SEPIDEH QOLYAN

اسماعیل بخشی لیدر کارگری و سپیده قلیان ژورنالیست را آزاد کنید!

دوستان گرامی، ایرانیان ساکن پاریس و حومه از طرف کمپین آزادی اسماعیل بخشی روز یکشنبه ساعت ۱۴ در کنار برج ایفل خواهیم بود و با انجام سخنرانی و تجمع همبستگی با کارگران هفت تپه و فولاد و برای آزادی بخشی و قلیان، کمپین را ادامه خواهیم داد.

همه با هم پیا خیزیم ...

از صفحه ۱

کنفدراسیون س ژ ت نماینده میلیونها کارگر فرانسوی از هفت تپه دفاع کرد و خواهان آزادی رهبر کارگری اسماعیل بخشی شد.

در ایران موجی از همبستگی بسوی کارگران قهرمان هفت تپه و فولاد که بیست و پنجمین روز اعتراضات را پشت سر می‌گذارند جاری است. بیانیه‌های سازمانها و احزاب و تشکلهای مدافع حقوق کارگران در ایران و بیانیه وکلا در دفاع از اسماعیل بخشی، و دفاع روزانه صدها نفر در فیس بوک و تویتر و اینستاگرام و ... بیانگر توجه و علاقه عمومی به این

درخشان از همبستگی مردم ایران با خواستههای برحق کارگران است. کمپین نجات اسماعیل بخشی، خود را در کنار همه شما کارگران، همه شما دانشجویان و مردم آزاده در ایران می‌بیند و خواهد کوشید با تمام قوا برای آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و همه کارگران زندانی فعالیت کند. ما از همگان می‌خواهیم به اعتراضات خود شدت بخشیده و کاری کنیم اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فوراً آزاد شوند. کمپین آزادی اسماعیل بخشی

مبارزات و رهبران آنها است. کارگران، دانشجویان، معلمین و همه مردم ایران با علاقه این مبارزه را پیگیری میکنند و خواهان آزادی فوری بخشی و قلیان هستند.

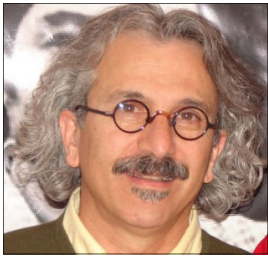
روز گذشته دانشجویان دانشگاه هنر در حمایت از نیشکر هفت تپه تجمع کرده و خواهان آزادی فوری بخشی شدند. کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای از کارگران هفت تپه دفاع کرد و امروز در تهران یک میز گرد در بررسی خواستها و اعتصاب هفت تپه با حضور دانشجویان صنعتی شریف شهید بهشتی امام صادق و علوم قضایی برگزار خواهد شد.

لیست همبستگی با هفت تپه دراز است و این خود يك نمونه

۹ آذر ۱۳۹۷

۳۰ نوامبر ۲۰۱۸

فراخوان ۱۰ سازمان فدرالیستی برای خون پاشیدن به تحولات انقلابی در ایران



بین رفتن شیرازه جامعه و مدنیت باشد. و چنین طرحهایی بمشابه طرحهایی برای خون پاشیدن به تحولات انقلابی در ایران باید از جانب هر جریانی که ذره ای حس انسانگرایی و مسئولیت در قبال جامعه دارد، باید عمیقاً محکوم شود.

فدرالیسم پروسه ای برای حاکم کردن عقب مانده ترین و مرتجع ترین ناهیران و احزاب و جریانات سیاسی قومی بر سرنوشت یک مردم است. در جامعه ای که هویت و تعلق جهانشمول و آزاد انسانها دست بالا را داشته باشد، جریانات مرتجع قومپرست و ناسیونالیست باید شغلی شرافتمندانه برای زندگی دست و پا کنند.

فدرالیسم راه حل هیچ دردی نیست. خود درد است. درمان بیماری ای نیست. خود بیماری است. طرح و تبلیغ فدرالیسم چه آگاهانه و از سر تعلقات کور و ارتجاعی قومگرایی و چه ناآگاهانه و خام خیالانه میتواند زمینه ساز یک فاجعه اجتماعی در تحولات سیاسی ایران باشد.

فدرالیسم و تحولات سیاسی ایران

اما طرح و تشدید تبلیغات قوم پرستانه و فدرالیستی در جامعه محصول تحرك و تکاپوی قومی و نشان تعلقات قومی و ملی لاعلاج در میان مردم نیست. برعکس هر درجه تعلق قومی خود محصول تبلیغات فدرالیستی جریانات قومپرست در جامعه است. قومی گرایی بر خلاف ملی گرایی دارای سابقه و پیشینه قابل ملاحظه ای در جامعه و در میان مردم نیست. همانگونه که ملت و خلق ملت محصول طبیعی و داده شده ویژگی های معینی در میان بخشهای از مردم نیست بلکه حاصل عملکرد ناسیونالیسم و هویت ناسیونالیستی

قومی و ملی به انسانهای ساکن یک جامعه، خلق خود آگاهی وارونه ملی و قومی در جامعه در خود به معنای از بین بردن زمینه ها و امکان زیست صلح آمیز و برابر انسانها است. ایجاد حکومتهایی مبتنی بر رنگین کمان قومیت و ملیت نسخه ای برای دائمی کردن تخاصم قومی است. بر خلاف تصورات و تبلیغات قوم پرستان، واقعیت این است که جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. این بخشی از تبلیغات رژیم اسلامی و شاخه هایی از جریانات اولترا ارتجاعی ناسیونالیستی است. تعلقات قومی جایگاه و ریشه چندانی در جامعه ندارد. اما تبلیغ گسترده نفرت و کینه قومی میتواند زمینه ساز چنین وضعیتی در متن یک شرایط مساعد جهانی باشند.

مردم منتسب به ملتها و قومهای مختلف در بخشهای مختلف و شهرهای متعدد جامعه ایران کار و زندگی میکنند. هیچ رابطه یک به یک و سر راستی میان سرزمین و قومیت در ایران موجود نیست. هرگونه تلاش برای ایجاد حکومتهای فدرال قومی مستلزم جدال بر سر سرزمینها و نتیجتاً راه اندازی انواع پروژه های خونین مانند پاکسازی قومی و جنگ خونین در مناطق "کثیر الملله"، در شهرهای بزرگ ایران و مناطق مورد نظر قوم پرستان و فدرالیستها است. هرگونه تلاش برای ایجاد تقسیم قومی در جامعه و علی الخصوص در تهران موجب بروز خونین ترین جنگها در تاریخ تحولات سیاسی ایران خواهد بود. ابعاد فجایعی که میتواند بر اثر پیشرفت چنین سیری حادث شود، باور نکردنی و قابل تصور نیست.

تصور تقسیم قومی جامعه ای به وسعت تهران به مناطق تحت کنترل فارس و کرد و آذری و عرب و افغان و ... دهشتناک است. چنین روندی بدون تردید میتواند مترادف با از

فدرالیسم تلاشی برای "دمکراتیزه کردن" قدرت سیاسی در جامعه نیست. برعکس ایجاد دولت متکی بر فدرالیسم قومی نه تنها تلاشی برای دمکراتیزه کردن قدرت سیاسی و آزادیهای بیشتر سیاسی نیست بلکه هویت قومی و ملی را در تمامی شئون نظام اداری جامعه نهادینه میکند. حاکمیت فدرال و قومی بهیچوجه متراف با حاکمیت آحاد مردم قرار داده شده در یک چهارچوب فدرال نیست. نفس ایجاد حاکمیتی بر مبنای قومیت و ملیت بعنوان مبنای حقوقی و معنوی در هر محدوده ای خود ناقض حق حاکمیت شهروندان و نتیجتاً زیر پا گذاشتن حق واقعی مردم در آن محدوده در تعیین سرنوشت و سوخت و ساز اداری و حکومت است. هیچ نوع عنصر "دمکراتیکی" در یک نظام فدرالیستی مستتر نیست. اگر قرار دادن عنصر مذهب و مثلاً اسلام در مبنای حکومت عین زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق مدنی و شهروندی انسانهاست؛ قرار دادن عنصر قومیت و ملیت در حکومت نیز نقشی معادل قرار دادن مذهب در دولت و نظام اداری کشور دارد. نظام داخلی یک حکومت فدرال قومی نمیتواند سر سوزنی "دمکراتیک" حتی به همان معنای عمومی در فرهنگ عام مردم باشد. حکومتهای فدرال قومی حکومتهایی نابرابر، سرکوبگر و بنا به تعریف قوم پرست و نژاد پرست هستند. برای درک مساله کافی است نگاهی گذرا به حکومتهای قومی که در پس از جنگ سرد شکل گرفته اند بیندازیم.

فدرالیسم راه حلی مدنی برای جامعه ای متشکل از "اقوام" با زبانها و یا "تاریخچه قومی" متفاوت نیست. نسخه ای برای "همزیستی مسالمت آمیز" و "آشتی اقوام" و آحاد مختلف یک جامعه نیست. بر عکس هر درجه تحرك و فعل و انفعال فدرالیستی و قوم پرستانه متضمن ایجاد زمینه های خونین کشمکش در میان مردم است. الصاق هویت

"گسترش آزادیهای سیاسی" در جامعه نیست. راه حلی مدنی برای جامعه ای متشکل از "اقوام" متکلم با زبانها و یا "تاریخچه قومی" متفاوت نیست. نسخه ای برای "همزیستی مسالمت آمیز" و "آشتی اقوام" و آحاد مختلف یک جامعه نیست. برعکس متضمن تحمیل یک عقبگرد عظیم فرهنگی و اجتماعی و همه جانبه به مردم است. یک شعار و سیاست ارتجاعی و ضد مردمی است. سیاستی است که عمیقترین شکافها و خصومتهای قومی و ملی را در جامعه نهادینه میکند. فدرالیسم به لحاظ عملی تنها میتواند چاشنی یکی از خونین ترین درگیری ها در تاریخ معاصر ایران باشد. (منصور حکمت، بیانه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری، در محکومیت شعار فدرالیسم، ژوئن ۱۹۹۶)

فدرالیسم نسخه ای برای "رفع ستم ملی" و یا "مساله ملی" نیست. بر عکس تلاشی برای نهادینه کردن تمایزات و اختلافات میان بخشهای مختلف مردم است. ستم ملی و هر گونه ستم و تبعیضی بر مبنای انتساب افراد جامعه به ملیتهای مختلف یکی از وجوه کریه نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی سرمایه داری معاصر است و باید از میان برده شود. نابودی ستم و مساله ملی و تضمین برابری همه انسانها و شهروندان جامعه مستقل از "تعلقات قومی" و "ملی" یک هدف اعلام شده کمونیسم کارگری است. پاسخ اصولی به ستم ملی، تلاش همه جانبه برای رفع ستم ملی و تضمین برابری همه جانبه انسانها و از میان بردن سرمایه داری و استثمار و جامعه طبقاتی است. اما فدرالیسم نه تنها تمایزات "ملی و قومی" را از میان نمی برد بلکه این تقسیم بندیها را نهادینه کرده، بر این شکافهای قومی و ملی سرمایه گذاری کرده و برای سهمبری از قدرت سیاسی در آینده ایران یک جنگ و کشمکش خونین را چنانچه امکان آن را پیدا کند به جامعه تحمیل خواهد کرد.

اخیراً ۱۰ سازمان قوم پرست و ملی - اسلامی بیانیه ای تحت عنوان "فراخوان به همکاری مشترک (۱۰ جریان)" منتشر کرده اند. در این بیانیه رؤس مطالبات این جریانات قوم پرست در قبال تحولات سیاسی ایران و طرح های آنها برای آینده ایران پس از سرنوشتی رژیم اسلامی "چنین بیان شده است: "ما بر ضرورت اتحاد وسیع برای استقرار دمکراسی، جمهوری و فدرالیسم در ایران و ارزش هایی چون روادار، پلورالیسم، جدایی دین و دولت بر مبنای منشور حقوق بشر و همزیستی همه طیف ها و گرایش های سیاسی دمکراتیک" تاکید شده و همچنین از "از احزاب، نهادها، سازمان و جریان های جمهوریخواه دمکرات ... دعوت به همکاری و همگامی در مبارزه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی" نموده اند.

یک خواست مندرج در این بیانیه، این بیانیه را از سایر طرحهای رنگارنگ جریانات دست راستی و ارتجاعی اپوزیسیون متمایز میکند و آن طرح فدرالیسم بر مبنای قومیت و هویتهای ضد انسانی قومی در جامعه است. در این طرح آمده است: "کشور ایران سرزمینی است که در نتیجه همزیستی ملیتهای، فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و دیگر مجموعه های زبانی و اقلیت های مذهبی و فرهنگی شکل گرفته است." و سپس اعلام کرده اند که: "ما خواهان اتحاد آزادانه مردمان ایران در یک سیستم سیاسی و اداری فدرال هستیم".

به این بیانیه باید پرداخت چرا که چنین طرحهایی زمینه ساز فجایع خونین در تحولات آتی جامعه است.

فدرالیسم : واقعیات و توهمات

بر خلاف تصورات و تبلیغات پوچ این جریانات ناسیونالیست قوم پرست فدرالیسم نسخه ای برای "رفع ستم ملی" و یا "دمکراتیزه کردن جامعه و یا اقدامی در جهت

بازتاب هفته

حکومت چپاول و اقتصاد قاچاق

کاظم نیکخواه

تعدادی از رانندگان تاکسی که از ولایت هرات افغانستان، به مشهد مسافر انتقال می‌دهند دلار را با خود به ایران برده در آنجا به قیمت بالاتری می‌فروشند. بحران سازهی بین المللی جمهوری اسلامی و سیستم مافیائی آن بهانه و دلایل زیادی به دولتهایی نظیر دولت ترامپ و امثالهم میدهد که ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را در محاصره اقتصادی قرار دهند و عملاً فضا را برای مافیای اقتصادی مهیاتر نمایند. این وضعیت تا آنجا که به اکثریت مردم مربوط میشود معنایی جز گرانی و مشکلات و محرومیت فزاینده ندارد. تامین ساده ترین معیشت برای بسیاری از کارگران و مردم يك کابوس هرروزه است.

مقصر و عامل این وضعیت اساساً جمهوری اسلامی و سیستم مافیائی آنست. حکومت اسلامی از پایه و اساس حکومت قاچاق و دزدی است. وزرا و نمایندگان و سفرا و بانکها و ادارات و پاسداران و روسای کاربدستان دزدی و قاچاق هستند و بارها افشا شده اند. بطور واقعی کل ایدئولوژی و سیاست و سیستم قضائی و قوانین رسمی این حکومت يك سیستم تحمیلی است که قاچاقی به بشر امروز تحمیل شده و جایی در تفکر و فرهنگ و اعتقادات بشر مدرن امروزی ندارد. اینها را سرمایه داری قرن بیستم برای فرار از انقلاب مردم به جامعه ایران تحمیل کرد. به همین دلیل با سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران خود سیستم سرمایه داری نیز که چنین دیوهای خون آشامی را تولید میکند و به جان مردم می‌اندازد به لوزه مرگ خواهد افتاد. این را از شعارها و اعتراضات و خواستههای انسانی هر روزه کارگران و معلمان و مردم، و جنات انقلابی که در ایران در راه است میشود دید. مردم ایران در تلاشند آینده ای انسانی، شاد، مدرن، بدون اعدام و جنگ و سرکوب و قاچاق و اختلاس را در ایران رقم بزنند.

همه میدانند که اقتصاد جمهوری اسلامی اساساً از طریق قاچاق می‌چرخد. قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، قاچاق ارز، قاچاق انسان، قاچاق تروریست. حکومت اسلامی کلاً حکومت ثقل و دورویی و قاچاق و جعل و دزدی است. سرمایه دارانی که در حول و حوش این حکومت پرورده میشوند اساساً از راههای قاچاق ثروتهای انبوه کسب میکنند. در ماههای اخیر با محاصره اقتصادی دولت آمریکا، قاچاق ارز رونق بیشتری یافته و به یکی از روزه های مهم قاچاق اقتصادی تبدیل شده است. يك راه مهم قاچاق ارز مرزهای افغانستان به مشهد است. بنا به گزارش خبرگزاری "ایران ویر" در سال جاری، به ویژه در ماههای اخیر، انتقال غیرقانونی دلار از افغانستان به ایران به شدت افزایش یافته و این کار به يك شغل پر درآمد برای صرافان و قاچاق بران پول در افغانستان تبدیل شده است: از میان ۴۰۰ صراف که در يك پاساژ مصروف فعالیت هستند، بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر آن‌ها در انتقال غیرقانونی دلار به ایران دست دارند که به طور مستقیم دلار را به نرخ پایین از بازارهای افغانستان خریداری می‌کنند و پس از انتقال آن در مشهد، به قیمت بالاتر به فروش می‌رسانند". بنا به این گزارش قاچاق دلار از افغانستان به ایران، با همکاری سربازان مرزی صورت می‌گیرد و دلالتان و قاچاقبران بخاطر انتقال دلار به جمهوری اسلامی به سربازان مرزی پول پرداخت می‌کنند و با جعبه های پر از دلار اجازه خروج از افغانستان را میگیرند. اما در ایران با مشکلی مواجه نمیشوند. به دلیل حضور موسسات بین‌المللی و نیروهای آمریکایی در افغانستان، پس از "افغانی"، دلار دومین پول پر کاربرد در کشور افغانستان است. چندی پیش «رویترز» گزارش داد که روزانه بین دو تا سه میلیون دلار از مرزهای افغانستان بگونه‌ای غیر قانونی خارج و به ایران منتقل می‌شود. یافته‌های رویترز نشان می‌داد که

ضرب‌الاجل فیفا به جمهوری اسلامی درباره زنان

حسن صالحی

زنانی بوده است که برای شکستن دیوارهای تبعیض جنسیتی تلاش های زیادی کرده اند. این موفقیت ها حاصل پیشروی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان ایران است. این را باید ثبت کرد و با صدای بلند گفت؛ این حاصل مبارزه قهرمانانه زنانی است که در این سالها مقابل تحمیلات مذهبی ایستادند، قربانی دادند، زخم زیادی بر جسم و روانشان وارد آمد، ولی از حق خود کوتاه نیامدند. چهل سال آرزگار است که جمهوری اسلامی با اعمال خشونت و زور دولتی خواسته تا به زور حجاب بر سر زنان نگه دارد، آنها را به کنج خانه بفرستد، بین زن و مرد دیوار بکشد، حقوق انسانی زنان را پایمال کند ولی هیچگاه نتوانسته جنبش رهایی زن در ایران را خاموش کند. اکنون این جنبش نه فقط بر سر اجازه ورود به ورزشگاهها بلکه بر سر حجاب، بر سر طلاق، بر سر حضانت کودکان، بر سر رفع تبعیض قانونی و بر سر کرامت انسانی نیمی از جامعه ایران یقه جمهوری اسلامی را چسبیده است و تا گرفتن حق خود حاضر به کنار آمدن نیست.

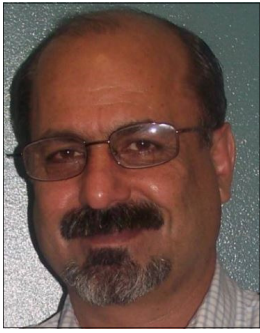
امروز هر کس که از فرسنگها دور نیز گوش بر زمین بگذارد صدای پای زنان ایران را خواهد شنید. زنان ایران با قدمهای محکم و استوار می آیند که نه فقط قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی را لغو کنند بلکه، با سرنگونی این رژیم زن ستیز به هیچ نیرویی اجازه ندهند که در فدای ایران حقوق مسلم و برابر زنان را نادیده بگیرد. جامعه ایران باید به وجود چنین زنانی افتخار کند.

کمیسیون مشاوره حقوق بشری فیفا خواسته است که يك ضرب‌الاجل برای جمهوری اسلامی در رابطه با صدور مجوز ورود زنان به ورزشگاهها تعیین کند. جمهوری اسلامی زیر فشار فدراسیون جهانی فوتبال و اعتراضات جهانی و داخلی نسبت به جلوگیری از حضور زنان در ورزشگاهها تا به حال چند بار عقب نشسته است. آخرینش روز شنبه ۱۹ آبان ماه سال جاری بود که گروههایی از زنان بطور گزینشی اجازه یافتند وارد ورزشگاه آزادی شوند تا از نزدیک به تماشای بازی فوتبال تیم های پرسپولیس و کاشیما بنشینند. اما فیفا نمی خواهد به این عقب نشینی ها رضایت بدهد و خواهان پایان دادن رسمی به تبعیض جنسیتی در ایران شده است.

پیرو نظر کمیسیون مشاوره حقوق بشری فیفا که متشکل از هشت کارشناس مستقل از سازمان ملل متحد، اتحادیه‌های کارگری و حامیان فیفا می باشد، اگر جمهوری اسلامی موانع حضور زنان در ورزشگاهها را رفع نکند، فیفا باید به فکر تحریم احتمالی فوتبال ایران باشد.

اگر فدراسیون جهانی فوتبال توصیه های این کمیسیون را با جدیت پیگیری کند این بطور قطع به معنای فتح سنگرهای جدید دیگری در مبارزه علیه رژیم آپارتاید جنسی از سوی زنان شجاع ایران است. واقعیت این است که تا به امروز نیز هر درجه پیشروی در این عرصه مدیون مبارزه جانانه





از جمله آمریکا است.

حق کار و اشتغال و زندگی در هر جایی که بشر انتخاب میکنند یک حق ابتدایی است که باید تلاش و مبارزه کرد تا به یک نرم زندگی در جهان معاصر تبدیل شود. مرزها دست ساخت دولتهای سرمایه داری است. این دولتها به مرزها نیاز دارند و هر جا لازم شد برای حفظ هر سانتی مترش جنگها براه میاندازند و هر جا لازم شد به مرز همديگر دست درازی میکنند. کارگران نیازی به مرز ندارند. شهروندان جهان نیازی به مرز ندارند. بشر به تعاون و همبستگی و کار و خلاقیت و امنیت و آسایش و رفاه نیاز دارد. چیزی که تنها و تنها زمانی ممکن خواهد شد که زندگی اکثریت عظیم مردم جهان از زیر سلطه اقلیت صاحب سرمایه و دولتهایشان و به تبع آن مرزها و دیوارها و سدهایشان رها شود و به جای دولتهای با مرز، مردمان بی مرز صاحب همه ثروت و امکانات جامعه شوند.



دولتهای مرزدار و مردمان بیمر! در باره کاروان پناهجویان از آمریکای مرکزی!

محسن ابراهیمی

بعد از چهار ماه و طی کردن قریب ۴۳۰۰ کیلومتر (چهار برابر فاصله دریای خزر و خلیج فارس) با پای پیاده و هر وسیله دیگر، کاروان بزرگی مرکب از بیش از ۷۰۰۰ پناهجو به مرز مکزیک و آمریکا رسیده اند. این پناهجویان از منطقه ای مشهور به "مثلث شمال امریکای مرکزی" شامل کشورهای هندوراس، ال سالوادور و گواتمالا هستند و از فقر اقتصادی و فساد حکومتی و جنایت فرار میکنند.

طیفی از شخصیتها و سازمانهای راست از فاکس نیوز تا "انجمن ملی سلاح" و در راس آنها دونالد ترامپ و دار و دسته فاشیستش در کاخ سفید تبلیغات وسیع و زهرآگینی راه انداخته اند که این پناهجویان یا به قول آنها "اشغالگران" را در افکار عمومی بی اعتبار کنند و تصویری خطرناک از آنها بدهند. آنها میخواهند افکار عمومی را علیه این پناهجویان تحریک کنند تا هم رفتار غیر انسانی دولت آمریکا با این پناهجویان را توجیه کنند و هم مقاومت و اعتراض در میان مردم در حمایت از حق پناهندگی و کار و زندگی این پناهجویان شکل نگیرد.

در راس این طیف برآستی تبهکار، ترامپ فاشیست قرار دارد که با وقاحت تمام چشم در چشم مردم جهان دوخت و تویت کرد که در میان این کاروان ۵۰۰ مجرم و تبهکار (دقیقا ۱۵۰۰!) وجود دارند؛ تعداد زیادی از اینها "اعضای گروه های تبهکار و آدمهای خیلی بد" هستند که به کشور ما "تهاجم" کرده اند و هشدار داد که "ارتش آمریکا" در انتظار این "مهاجمین" خواهد بود. و به این ترتیب بیش از ۶۰۰۰ نیروی تا دندان مسلح به مرز آمریکا و مکزیک روانه کرده اند تا با "اشغالگران" و "مهاجمینی" که بیش از ۲۵۰۰ کودک در

میانشان هست مقابله کنند. برخی رسانه ها تخمین زده اند که تعداد نظامیان مستقر در مرز مکزیک بیشتر از سربازان آمریکایی در سوریه و عراق هستند.

اما در واقعیت این "آدمهای بسیار بد"، تنگدستان و تهیدستانی هستند که از فقر شدید، فساد حکومتی و باندها و گنگهای جنایتکار در کشورهای هندوراس، ال سالوادور و گواتمالا به تنگ آمده اند. اینها "آدمهای خیلی بد" نیستند، اینها انسانهای زحمتکش و قهرزده ای هستند که از دست نظام بسیار بد، حکومت بسیار بد و بالاخره گنگهای بسیار بد فرار میکنند.

هر سه این کشورها زمانی نه چندان دور محل یکه تازی خونتاهای نظامی مورد حمایت آمریکا بودند که ماموریتشان سازمان دادن ریاضت اقتصادی بر دوش طبقه کارگر به نفع طبقات حاکم این کشورها بود. روشن است که اکثریت این تهیدستان فراری نسلهای بعدی همان طبقه کارگر و همان مردم محرومی هستند که زمانی سرمایه جهانی به کمک دیکتاتورهای نظامی شیره جان و زندگیشان را مکیده است و امروز هم کشورهایشان مکانی برای ارزاترین و بی حقوقترین اقشار طبقه کارگر جهانی هستند.

بنا بر اطلاعات بانک جهانی، درآمد متوسط شهروندان هندوراس ۳ دلار در روز است. از هر سه نفر شهروند هندوراسی، دو نفر در فقر زندگی می کنند و از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۴۳ نفر در خشونت های خیابانی به قتل می رسند. زندگی در ال سالوادور و گواتمالا هم به همین ترتیب است. یک نمونه از "آدمهای بسیار بد" این کاروان، مادری تهیدست اهل هندوراس است که دو کودکش که با فروش آب خرج خانواده را در میاوردند، هنگام عبور از قلمروی تحت کنترل یک گنگ به منطقه تحت کنترل یک گنگ دیگر ناپدید

اند نه تنها هنوز بعد از چندین دهه غیر قانونی محسوب میشوند بلکه اخیر با بیرحمی تمام در معرض جدا شدن از کودکانشان و اخراج از خاک آمریکا قرار گرفته بودند.

اکنون کاروان پناهجویان به مرز مکزیک و آمریکا رسیده است و پناهجویان خسته و کوفته علیرغم موانع زیادی مثل دیوارهای بلند و سیمهای خاردار و علیرغم حمله با گاز اشک آور و به هر طریق ممکن میخواهند وارد خاک آمریکا شوند.

این بسیار امیدبخش است که در مقابل صف ارتجاع فاشیستی دولت ترامپ و در مقابل باندهای فاشیستی در خود مکزیک برای راه انداختن تظاهرات فاشیستی در مقابل این پناهجویان، هزاران مکزیکه ای انسان دوست در مسیر مهاجرت، به این پناهجویان آب و غذا میرسانند و از آنان و حق پناهندگیشان حمایت میکنند.

اما این کافی نیست. در هم شکستن تعرض فاشیستی دولت ترامپ به این هزاران پناهجو مستلزم صف آرایی متحد و گسترده در همه جهان مخصوصا در خود آمریکا برای دفاع از حق این انسانها برای کار و زندگی در هر جایی که انتخاب میکنند

شده اند و نه دولت و نه پلیس پاسخگویش نیستند. زندگی این مادر فقط یک نمونه از هزاران مادر و پدری است که دست کودکانشان را گرفته اند و به کاروان پناهجویان پیوسته اند تا با پای پیاده هزاران کیلومتر را طی کنند و از فقر و گرسنگی و جنایت سازمان یافته نجات پیدا کنند.

تعداد زیادی از این تنگدستان فراری قبل از نزدیک شدن به مرز آمریکا و مواجه شدن با سد ارتش دونالد ترامپ، بعضا به طور دسته جمعی توسط گانگسترهای سازمان یافته در کارتهای مواد مخدر مکزیک اسیر میشوند و به عنوان گروگان برای اخذی از بستگانشان در آمریکا مورد استفاده قرار میگیرند.

در کنار تحریکات فاشیستی، ترامپ و دولتش برای توجیه نقش ضد انسانیشان در مقابل این پناهجویان، برای تسخیر قلب و مغز شهروندان آمریکایی به حربه قانون هم متوسل میشوند که خوب مملکت مرز و قانون مهاجرت دارد و باید هرکس از مرز و مسیر قانونی وارد آمریکا شود و درخواست پناهندگی کند. اما چه کسی است که نداند تعداد کثیر پناهجویانی که قبلا حتی از مسیرهای قانونی وارد آمریکا شده

ورونیکا کراکر و نگاهی به نقد اسلام یک فراخوان برای نقد رادیکال مذهب



ورونیکا کراکر (Veronika Kracher) یک ژورنالیست آزاد و زن جان مارکسیستی است که در نشریات و روزنامه های چپگرا در آلمان مطلب مینویسد. روز ۲۲ نوامبر ۲۰۱۸ که راکر مطلبی در نشریه جنگل ورد نوشته، که در آن نسبیّت فرهنگی و مماشات با مذاهب و جنبش اسلامی و اسلام را از موضع مارکسیستی نقد میکند. او مقاله خود را با اشاره به نحوه فعالیت و نگرش مینا احدی در نقد جنبش اسلامی و مذاهب شروع میکند و در طول مقاله خود نیز از همان نگرشی حرف میزند که ما سالها است جنبش اسلامی و مذاهب و اسلام را نقد میکنیم. در اینجا ترجمه ای آزاد از این مطلب را میخوانید

می گفتند زنان غربی بهتر است سری به عربستان سعودی بزنند و ببینند آنجا چه خبر است. وقتی به عمق این نگرش دقت کنید می بینید در این موضع ضد فمینیستی، هدف اساسا رهایی زنان و همچنین رهایی همه مردم و از جمله زنان از قید و بندهای مذهبی نیست. و همچنین ما شاهد هستیم در مورد ستم بر زنان در عربستان و یا کشورهای اسلامزده، یک نوع نگاهی هست که در باره "آنها" حرف میزنیم " آنهايي" که فرهنگشان با ما متفاوت است و مشکلات آنها را چندان هم مشکل نمی بینیم.

نگاه کنید به زنان در ایران که قهرمانانه علیه حجاب اجباری مبارزه میکنند، بسیاری این زنان را قهرمانان راه آزادی و حقوق زنان میدانند، ولی همانهایی که مبارزات زنان ایران را می ستایند، احتراز میکنند از گفتن و نام بردن مشکلات در همین جا. در حالیکه بسیاری از مردان عکسهای ویدا موحد را پروفایل فیس بوک خود کرده اند، من از برخی فمینیست ها می شنوم این همه تاتار در اینجا که اوضاع خوبست، برای چیست. کسانی که در زندگی خصوصی و در زندگی اجتماعی، رهایی کامل زنان در تمام دنیا و همچنین رهایی از ستم مردسالارانه در غرب را پیگیری نمیکنند، نمیتوانند مدافع راستین رهایی زنان و همچنین منتقدین راستین دخالت اسلام و مذهب در زندگی ما زنان باشند.

در امر دفاع از حقوق زنان نقد مذهب و نقد اسلام بسیار مهم است و ما موظفیم به نقد مذاهب و اسلام از موضع فمینیستی

اسلام هیچگاه به هیچ رفرمی در طول تاریخ حیاتش تن نداده است. هر تقلایی برای ایجاد رفرم و یا هر نقد و یا حتی تفسیر دیگری از قرآن همواره با اشد مجازات پاسخ گرفته است. امروز هم این روند ادامه دارد، هم اکنون مسلمانان لیبرال هم از گزند تهدیدات تروریستی در امان نیستند. مثلا یک امام مانند امام لودویک محمد زاهد و یا سیران آتش در برلین، که از اسلام لیبرال حرف میزند، مورد تهدید و تعرض قرار میگیرند.

این درست است که قران امکان تفسیر دیگری نیز از آیه های خود را میدهد، تفسیرهایی که امام لیبرال زاهد و یا سیران آتش زنی که خود را امام نام نهاده در برلین میخواهد به نفع خود از آن استفاده کند، او میکوشد با اتکا به اسلام، آزادی و حقوق زنان را فراخوان بدهد، اما در دنیای واقعی، امامان و حکومتهای اسلامی هستند که تصمیم گیرنده همه این تصمیمات و اعمال ضد زن هستند، و در عین حال فراموش نکنیم تصمیمات در این کشورها اساسا از طرف مردان است.

انتقاد به زن ستیزی اسلامی، البته در غرب مورد تایید بسیاری از مردان هم هست و منتقدین اسلام در اینجا بسیاری مرد هستند، اما یک موضوع جانبی را باید در این انتقادات توجه کرد، وقتی کمپین "می تو" Me Too در دنیا غوغا کرد از همین منتقادات زن ستیزی اسلامی می شنیدیم که میگفتند چه خبر است این همه هیاهو، و کمپین "می تو" را کمپینی برای معروف شدن تعدادی و یا حرکتی برای جلب توجه نام نهاده بودند و

اعتراضات گسترده در آلمان، مجبور شد مراسم اهدای جایزه به خود را در اوایل ماه نوامبر کنسل کند. سیری Sirri اسلام را بعنوان فمینیسم اصیل تبلیغ میکند و میگوید در اسلام و قران زنان قوی بسیاری وجود دارند.

اسلام اما همه میدانیم که دلیل همین بنیانها، به دولتهای اسلامی و یا به سازمانی مانند داعش امکان میدهد زنان را به بردگی کشیده و تجاوز به زنان را قانونیت دهند. اسلام پوشاندن تن زنان را قانونی اعلام میکند و از همان دوران کودکی با توجیه اینکه تن زنان تحریک کننده و عامل فساد است، کودک را مجبور میکند خود را بپوشاند، بدن کودک را برهه جنسی میکند و به کودکان می گوید برای جلوگیری از تعرض مردان باید خود را بپوشانند. این تصویر عقب مانده از مردان که همه مردان را مورد سوء ظن قرار داده و چنین وانمود میکنند که هر مردی با دیدن مثلا گردن یک زن تحریک میشود، برخورداری غیرانسانی و تحقیر آمیز به مردان نیز هست.

ستم بر زنان و اعمال قدرت بر زنان طبعاً نص صریح همه مذاهب است. اسلام اما در دنیا امروز تنها مذهبی است که با یک جنبش به اسم اسلام سیاسی، با همه قدرت و خشونت از جمله با فتوا و تحمیل قوانین شریعه، با قدرت ابزارهای سرکوب دولتی و یا تروریستی، این مردسالاری وحشتناک را بر زنان تحمیل میکند.

مینا احدی در سخنرانیهای خود اضافه میکند که مذهب

فمینیسم فقط وقتی میتواند به رهایی همه مردم کمک کند، که با ابزار ماتریالیستی به نقد اجتماع و نقد رادیکال مذاهب بپردازد. جای این نقد رادیکال و این امر مهم را نباید یک "فرهنگ گرایی ارتجاعی" بگیرد.

وقتی به "نقد اسلام" آنگونه که در بین بورژوازی و همچنین در بین چپها رسم است نگاهی بیاندازیم و یا هنگامی که از اینها در مورد نقش جنسیت در اسلام می پرسیم، کم یا بیش نگاهی انتقادی را می بینیم. اما در نقد جنبش اسلامی و اسلام تفاوتها زیاد است.

اگر امروز در یکسو فعالیتهای آگاهگرانه و خستگی ناپذیر مینا احدی، اکس مسلم را می بینیم که در مورد و در نقد شونیسیم اسلامی حرف میزند و بدلیل این فعالیتهای آگاهگرانه و بدلیل تهدیدات محافظ پلیس دارد، در دیگر سو در میان فمینیست های متعدد و به نوعی عجیب و غریب ما مدافع اسلام همچون لانا سیری * Lana Sirri محقق مسائل جنسیتی و نویسنده کتاب "مقدمه ای بر فمینیسم اسلامی" و یا لیندا سارسور Linda Sarsour یکی از فراخوان دهندگان و سازمان دهندگان "راهپیمایی زنان در واشنگتن" را داریم که از جمله خود را پشتیبان بسیار متعهد کمپین بایکوت ضد اسرائیلی میدانند.

اخیرا بنیاد فریدریش ابرت Friedrich-Ebert-Stiftung، بنیاد نزدیک به حزب سوسیال دمکرات آلمان که لیندا سارسور را برای اهدای جایزه حقوق بشر به برلین دعوت کرده بود، بدلیل

بپردازیم. مبارزه برای رهایی زنان با مبارزه علیه حجاب اجباری و دفاع از پرتاب کردن حجاب به اتمام نمیرسد، بلکه با این حرکت آغاز میشود.

فمینیسم بعنوان یک وسیله برای رهایی کامل زنان، وقتی موثر است که با نقد ماتریالیستی و با نقد سیستم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی شروع کند و این نقد سیستم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی باید همراه باشد با نقد رادیکال مذاهب و امروز با بودن اسلام سیاسی و خشونت غیر قابل باور این جنبش علیه زنان باید با نقد اسلام و جنبش اسلامی همراه باشد.

فمینیسم امروز میتواند تنها هنگامی بعنوان یک وسیله مهم برای آزادی در سطح بین المللی موثر واقع شود که همچنان که گفتم با نظریه ماتریالیستی نقد اجتماعی سیستم و همچنین با نقد رادیکال مذهب همراه باشد و امروز باید به دین اسلام و اسلام سیاسی بعنوان یک معضل مهم نگاه کرد و آنرا مورد نقد قرار داد.

مارکس در مذهب یک ظرفیت دیالکتیکی می بیند. مارکس میگوید مذاهب از یکسو روح دنیای بیروح است، اگر مردم در این دنیا در فقر و ذلت و بدبختی زندگی میکنند به امید روزی که در آن دنیا به یک زندگی بهتر برسند، این دنیا را تحمل میکنند، در عین حال مردم می بینند که این قدرتهای موجود و این حکومتها بهترین ها نیستند و شناخت و دانش میتواند آنها را بسوی واژگون کردن و سرنگونی حکومتها براند.

جالب اینست که در حالیکه مسیحیت و یهودیت آن دنیا را به

حکومتی که به طناب دار تکیه زده است،

قصد اعدام میلاد عظیمی جوان ۲۱ ساله را دارد!



در تاریخ ۱۷ آذر ماه سال ۱۳۹۲، وقوع يك درگیری بین دانش آموزان یکی از مدارس شهرک رودکی کرمانشاه به پلیس گزارش شد. در این درگیری یکی از دانش آموزان به شدت مجروح شد و از سوی خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شد ولی در جریان درمان جان خود را از دست داد. پلیس در این رابطه میلاد عظیمی را که در آن زمان تنها ۱۶ سال سن داشت به همراه یکی از دوستانش به نام پیام را بازداشت کرد.

میلاد در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفت و همانند بسیاری از موارد اقرار به جرم، قتل را به عهده گرفت و سپس در سن ۱۶ سالگی به اعدام محکوم شد. اکنون او ۲۱ ساله است و حکومت احتیاج به اعدام دارد و میخواهد او را نیز همانند فاطمه سالبی و صمد ذهابی، علیرغم اعتراضات بین المللی اعدام کند. نوجوانانی که در هنگام ارتکاب به جرم زیر سن ۱۸ سالگی بوده و طبق قوانین بین المللی باید به این موضوع مهم توجه کرد و ابدا نباید هیچ کودک مجرمی را به اعدام محکوم کرد.

اکنون خانواده مقتول تقاضای ۵۵۰ میلیون ديه کرده اند و خانواده میلاد همه هست و نیست خود را فروخته و هنوز جمعا با هم ۳۵۰ میلیون جمع کرده اند. فريبا بخشی مادر میلاد میگويد ماهنوز ۲۰۰ میلیون تومان کم داریم. آنها تهديد کرده اند که در صورت عدم پرداخت کامل ديه تا روز ۱۳ آذرماه امسال حکم را اجرا می کنند.

میلاد در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفت و همانند بسیاری از موارد اقرار به جرم، قتل را به عهده گرفت و سپس در سن ۱۶ سالگی به اعدام محکوم شد. اکنون او ۲۱ ساله است و حکومت احتیاج به اعدام دارد و میخواهد او را نیز همانند فاطمه سالبی و صمد ذهابی، علیرغم اعتراضات بین المللی اعدام کند. نوجوانانی که در هنگام ارتکاب به جرم زیر سن ۱۸ سالگی بوده و طبق قوانین بین المللی باید به این موضوع مهم توجه کرد و ابدا نباید هیچ کودک مجرمی را به اعدام محکوم کرد.

جمهوری اسلامی ایران به عمد در این روزها، به اعدام های بیشتر دست میزند. اعدام در ملاعام، اعدام در زندانها و اعدام محکومین زیر سن، همه اینها برای نشان دادن چنگ و دندان حکومتی است که فقط با کشتار و انسان کشی سر پا مانده است.

عفو بین الملل نوشت:

به تازگی فاطمه سالبی و صمد ذهابی نیز که هر دو به هنگام ارتکاب جرم ۱۷ سال داشتند، اعدام شدند. این اقدام مورد اعتراض

آقای عظیمی در محاکمهای "قویا غیرمنصفانه" و "برپایه

سازمان ملل متحد و بسیاری از نهادهای مدافع حقوق کودک قرار گرفت، اما داعش در ایران که در مقابل خود موجی از اعتراض و مبارزه را می بیند، حکومتی که می بیند میلیونها نفر از این حکومت متنفرند و برای سرنگونی این دستگاه قتل و جنایت و دزدی و فساد به خیابان آمده اند، احتیاج به کشتار بیشتر دارد و سراغ کودکان و نوجوانان محکوم به اعدام رفته و از این طریق به همه مردم چنگ و دندان نشان میدهد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان میخواهد کمک کنند میلاد عظیمی از اعدام نجات یابد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

آذر ۲۹/۱۳۹۷ نوامبر ۲۰۱۸

ما همه اسماعیل بخشی هستیم!

ما همه هفت تپه ای هستیم!

اسماعیل بخشی باید بدون درنگ و هیچ قید و شرطی آزاد شود!

هر کجای دنیا هستیم، به کارزار آزادی اسماعیل بخشی پیوندید!

چشمان جامعه گرفته اند!
حکومت اسلامی از سر ترس و استیصال، تعدادی از رهبران و نمایندگان کارگری و معترض را دستگیر کرده است. اما در پی حمایت و اعتراضات گسترده و سراسری تشکلات معلمان، دانشجویان، کارگران و مردم به دستگیری نمایندگان کارگری و فشار بر جمهوری اسلامی، بجز اسماعیل بخشی، بقیه دستگیر شدگان آزاد شدند.

اسماعیل بخشی در طی این اعتراضات و اعتصاب، تنها نماینده کارگران نیشکر هفت تپه نبود، او صدای مردم رنجیده و معترضی است که سفره اشان بدنبال دزدی، رانت خواری و فساد مالی یک حکومت فاسد و چپاولگر، خالی شده است و امروز دیگر چیزی برای از دست دادن

کارگران هفت تپه بیش از سه هفته است در اعتراض به نپرداختن دستمزد خود و خصوصی سازی شرکت، دست از کار کشیده اند، کارگران امروز چهارشنبه ۷ آذر نیز با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری شوش بر تحقق خواسته های قبلی خود پا فشاری کردند.

خانواده کارگران به این اعتراضات ملحق شده اند و مردم در کوچه و خیابان شوش به آنها پیوسته اند، کسبه شوش نیز در اتحاد با اعتصاب کارگران به اعتصاب دست زدند، معلمان، دانشجویان و مردم به حمایت وسیع و قابل چشمگیری از کارگران هفت تپه برخاسته اند، کارگران فولاد ملی اهواز و نیشکر هفت تپه با شعار، هفت تپه، فولاد، اتحاد، اتحاد این روزها تصویر قدرتمند و با شکوه اتحاد کارگران را جلوی

چشم انداز سیاسی این جریانات یک ضرورت غیر قابل انکار پیشروی مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه است. همانطور که مذهب امروز در اذهان مردم بی آبرو و منفرود است، ملی گرایی و قومی گری نیز باید بی آبرو و افشا شود.

اما منزوی کردن و طرد جریانات ناسیونالیست و قوم پرست تنها از عهده نیرویی ساخته است که آزادیهای سیاسی و حقوقی و برابری تمامی مردم مستقل از هویت های کاذب قومی و ملی و مذهبی را برسمیت میشناسد و توده مردم را با این افق آگاه و متشکل میکند. از نقطه نظر هویت جهانشمول انسانی و سکولاریسم هیچ تعلق قومی و ملی و مذهبی نمی بایست جایی در نظام سیاسی و حکومتی کشور داشته باشد. شاخه های ناسیونالیسم از این بابت تفاوتی با هم ندارند. هویت قومی در دولت به همان اندازه هویت ملی در نظام سیاسی جامعه کریه و ضد هویت جهانشمول و آزاد انسانی است. کمونیسم کارگری برای یک نظام سکولار، یک نظام غیر قومی، غیر ملی و غیر مذهبی و مرفه و آزاد برای همگان مبارزه میکند. *

می بینند و از طرف دیگر ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در پیشرفت شعار فدرالیسم "کابوس" "تجزیه ایران" را می بینند. تشدید تبلیغات و فریادهای ارتجاعی "تجزیه طلبی" از سوی جریانات متعدد ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی گواه این تغییر و تحول در مناسبات شاخه های مختلف ناسیونالیسم در ایران است. برگزاری کنفرانس های متعدد در واشنگتن از جانب موسسه آمریک انترپرایز و پذیرفته شدن چهره های قوم پرست در دالانهای وزارت خارجه امریکا پیرامون نقش و جایگاه "اقوام ایرانی" در تحولات آتی نشان دهنده تلاش برای به بازی گرفتن جریانات قوم پرست در سیر تحولات آتی از جانب استراتژیستهای مرتجع و مخازن فکری غرب در اوضاع کنونی ایران است.

این جریانات چه در صلح و آرامش و بند و بستشان و چه در کشمکش و جدال و دشمنی میتوانند منشاء بسیاری از مخاطرات در تحولات آتی ایران باشند. کلا ناسیونالیسم در صورت امکان میتواند همان نقش مخربی را در انقلاب آتی ایران ایفا کند که مذهب و اسلام در تحولات ۵۷ ایفا کرد. افشای همه جانبه اهداف و سیاستهای این جریانات، طرد افق و

فراخوان ۱۰ سازمان

از صفحه ۳

است. فدرالیسم نیز محصول خود آگاهی کاذب و وارونه قومی و غلیظ در میان مردم نیست.

طرح شعار و سیاست فدرالیسم در جامعه ایران در ابتدا اساسا محصول تلاش برای بند و بست میان جریانات قومگرا و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی بود. طرح شعار فدرالیسم به جریانات قوم پرست این امکان را میدهد که برچسب ارتجاعی "تجزیه طلبی" را از پیشانی خود پاک کنند. از طرف دیگر شعار فدرالیسم برای جریانات ناسیونالیسم ایرانی زمینه ای برای سازش و بند و بست و حصول توافق با جریانات و شاخه های محلی قومپرست را فراهم میکند. این تبنانی و بند و بست زمینه های اولیه طرح شعار فدرالیسم در جامعه ایران بودند.

اما در شرایط کنونی این ائتلاف و بند بست کم رنگ شده و شکاف عمیق تری میان جریانات قوم پرست و ناسیونالیسم عظمت طلب ایجاد شده است. از یک طرف جریانات قوم پرست با تکیه بر حمایت های برخی دول ارتجاعی نیاز کمتری به امتیاز دهی به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی

در نقد "ابتکار اسلام سکولار"

در نقد "ابتکار اسلام سکولار"

اخیرا چند شخصیت سرشناس آلمان از جمله حامد عبدالصمد، نجلا کله ک، سیران آتش و جم ازدمیر و... تشکیل به نام ابتکار اسلام سکولار را اعلام کردند.

ابتکار اسلام سکولار با بخش یک مانیفست و همچنین یک طومار همراه است.

<http://www.openpetition.de/petition/online/saekularer-islam>

در آغاز مانیفست این ابتکار آمده است که بزودی چهارمین کنفرانس اسلام در آلمان آغاز میشود و ما به این مناسبت این ابتکار را اعلام میکنیم و مینویسند:

"ما از فرمت جدید کنفرانس اسلام در آلمان بسیار خوشحالمیم. ترکیب شرکت کنندگان گسترده است و در حال حاضر ناهمگونی اسلام را به مراتب بهتر از سال های گذشته نشان می دهد. ما امیدواریم که مذاکرات در مورد اسلام در آلمان از سر گرفته شود.

نهاد اکس مسلم از بدو تاسیس خود در سال ۲۰۰۷ با نقد کنفرانس اسلام آلمانی (Deutsche Islamkonferenz)، شروع به کار کرد. واقعیت این بوده و هست که جنبش اسلامی در

کشورهای مبدا همچون ایران و عراق و سودان و افغانستان و... با تعرض به زندگی مردم و تحمیل قوانین و سنتهای ضد انسانی زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده و سپس در اروپا نیز جای پای خود را محکم کردند.

دولت آلمان کوشید با به راه انداختن کنفرانس اسلام و آوانس دادن به سازمانهای اسلامی به اصطلاح به مقابله با تروریسم در آلمان برخیزد و آنها را زیر کنترل گرفته و به نوعی در مقابل تلاشهای تروریستی اسلامی

بایستد سپس اعلام کردند این تقلایی برای دیالوگ با مسلمانان و جلوگیری از رادیکال شدن جوانان

و ادغام مسلمانان در جامعه آلمان!

دولت آلمان برای توجیه کردن این اقدام در ابتدا بر پیشانی ۴ میلیون انسان مهر مسلمان زد و با نمایندگان سازمانهای ضد زن و عقبگرای اسلامی که اکثر آنها روابط مستقیمی با کشورهای اسلامی مبدا دارند، نشست و برخاست کرد و به آنها امکانات مادی و معنوی زیادی داد، تا آنها را راضی به شرکت و دخالت در این کنفرانس کند. به مرور

زمان سازمانهای اسلامی حق دخالت در امور سیاسی، فرهنگی، آموزش و پرورش و حتی در استانها و یا شهرهایی همچون هامبورگ و یا برمن، حق دخالت در اداره کردن امور استانها را تصاحب کرده و به

سانسور در تلویزیون و مطبوعات و یا تحمیل برخی قوانین شریعه در آلمان دست زدند. در نهایت بعد از ۱۲ سال شاهد این هستیم که مساجد و امام های آنها تعداد زیادی را روانه سوریه و همکاری با سازمان اسلامی داعش کردند، در آلمان حجاب را بر کودکان تحمیل کردند، بورکینی را

رسمیت دادند، و حلال و حرام را تا سطح مدارس آلمان کشیده و مدارس اسلامی زیادی را تاسیس کرده و قتل ناموسی و ازدواج کودکان را بیش از پیش رسمیت دادند.

بعد از گذشت ۱۲ سال از اجرای همکاری و مماشات با سازمانهای اسلامی اکنون اسلام و سنتهای اسلامی نقش بیشتری در زندگی اجتماعی در آلمان پیدا کرده و سازمانهای اسلامی خواستهای بیشتری را به سیستم تحمیل کرده اند. اکنون ظاهرا برای مقابله با این روند، بدلیل اعتراضات گسترده در جامعه، سیاست دولت آلمان اینست که یک اسلام اروپایی و یا آلمانی را سرهم بندی کند.

ولی کماکان سوال ما اینست که چرا مذهب و اسلام این جایگاه رفیع را دارد؟ چرا نمیتوان از پرنسپ جامعه سیویل و یا

مدنی دفاع کرد که به حقوق فرد مستقل از ملیت، تعلق مذهبی و یا جنسیت و رنگ پوست معتقد است؟

اسلام در چند دهه اخیر مهم شده است، نه بدلیل اینکه مردم مسلمان تر و رادیکال تر شده اند، بلکه اساسا به این دلیل که یک جنبش ضد انسانی اسلامی سر برآورده و در سیاست دخالتی

بمراتب وسیع دارد. اسلام در آلمان مهمتر شده است چرا که سازمانهای اسلامی وابسته به حکومت اسلامی ایران، اردوغان و عربستان سعودی و داعش در اینجا حضور و فعالیت دارند و از دولت امتیاز میگیرند و دولت آلمان بدلیل سیاست همراهی با دولتهای مزبور و حکومتهای اسلامی با این سازمانها نیز کنار

می آید. تراژدی تلخ اینست که "ابتکار اسلام سکولار"، در همین زمین بازی میکند و ظاهرا آلمانی وجود ندارد. اسلام یک دین و یک ایدئولوژی و یک سیستم فکری است که اولاً معتقد است همه چیز از قبل معین شده و الله بر همه چیز مسلط است و دستورات او قانون همیشگی زندگی انسانها باید باشد و اگر تخطی از این قوانین بشود میتوان فرد منتقد و معترض را کشت. این دین، دین

عبودیت و بندگی و جنایت و انسانی ستیزی و کودک آزاری و آزار حیوانات و... است. مسلمان سکولار وجود دارد ولی نه اسلام سکولار.

ما میتوانیم مشکلات و خواستهایی که امضا کنندگان بیان میکنند را کاملا درک کنیم. اینکه سازمانهای رادیکال اسلامی و وابستگان به دولتهای فاشیست و اسلامی نباید اینجا به اسم همه مردم حرف بزنند، اینکه سازمانهای دست راستی و راسیست از این معضلات سو

استفاده کرده و فضای ضد پناهندگی و ضد خارجی دامن میزنند و اینکه بسیاری از مردم

"مسلمان" مخالف سیاستهای ضد انسانی سازمانهای اسلامی هستند و...

اما پاسخ این معضلات اتفاقا اینست که از پرنسپ جامعه مدنی با صدای بلند دفاع بشود و توهم مشغول شدن به اسلام و بزرگ کردن این دین ضد انسانی را در بین مردم دامن

نزنیم. باید از دولت آلمان خواست به پرنسپ جامعه سکولار احترام گذاشته و کنفرانس اسلام را ملغی کرده و اعلام کند اسلام و یا یهودیت و یا مسیحیت، جایی در سیاست نباید داشته باشند و همه ساکنین در آلمان مستقل از

رنگ پوست و عقیده و مذهب، باهم برابر هستند و همه باید از پرنسپ جامعه مدرن استفاده کنند. جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و مقدرات اجتماعی مردم، باید با صدای بلند فریاد زده شود.

ما همه هفت تپه ای هستیم ...

از صفحه ۷

می کند و از شما مردم شریف، آزادی خواه و انسان دوست می خواهد

در هر کجای دنیا که هستید به این کارزار با گفتن "ما همه اسماعیل عیدی هستیم! ما همه هفت تپه ای هستیم! ما صدای اسماعیل بخشی هستیم، بیپوندید، اسماعیل بخشی باید بدون قید و شرط آزاد شود!

برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۳۹۷ آذر

۲۸ نوامبر ۲۰۱۸



کارگر زندانی آزاد باید گردد!

بیست و چهارمین روز اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه تجمع کارگران شرکت آریان فولاد در حمایت از کارگران هفت تپه

میخواند. برپایی تجمعات اعتراضی همچون تجمع کارگران آریان فولاد قزوین و اعتصابات سراسری کارگری اشکال موثری از حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه است. حزب بر آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی و سپیده قلیان تاکید دارد و همگان را به پیوستن به کارزار برای آزادی آنان فرامیخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی تشکیل شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ آذر ۹۷، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸

دست نوشته ای که رویش نوشته شده است: "اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، آزاد باید گردد"، اعلام همبستگی کرده است. در سطح بین المللی نیز در ادامه حمایت‌های تاکنونی، روز گذشته دبیر کل اتحادیه معلمان انگلستان در نامه ای اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی شد.

لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه ضمیمه است.
حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به گسترش اعتراضات و اعتصابات همزمان و سراسری فرا

شهرستان بوئین زهرا در استان قزوین در حمایت از این کارگران با پلاکاردهای بزرگی در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و یک شکل عملی از همبستگی کارگری را به نمایش گذاشتند. در نمونه دیگری داوران تیم فوتبال شوش با دست نوشته ای که روی آن نوشته شده بود "ما هم هفته ای هستیم"، عکسی گرفته و به نشانه همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه آنرا رسانه ای کرده اند. در اقدامی مشابه بهنام ابراهیم زاده فعال شناخته شده کارگری نیز با

بطور برجسته ای بچشم میخورد. دیگر شعارهای کارگران عبارتند از: "هفت تپه رو دزدیدن، دارند باهاش پز میدن"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر". کارگران نیشکر هفت تپه خواهان پایان دادن به بساط دزدی بخش خصوصی در هفت تپه و اداره این مجتمع تحت نظارت شورای مستقل کارگران هستند.

موج همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه هر روز گسترش بیشتری می یابد و اشکال تازه تری بخود میگیرد. از جمله روز گذشته ۶ آذر کارگران شرکت آریان فولاد

امروز هفتم آذر ماه کارگران نیشکر هفت تپه در بیست و چهارمین روز اعتراضاتشان مقابل فرمانداری شهر شوش تجمع کردند. کارگران خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی رهبر محبوب خود و سپیده قلیانی خبرنگاری که در جریان اعتراضات این کارگران بازداشت شده، هستند. در این روز کارگران بعد از تجمع در مقابل فرمانداری در صفوفی فشرده و شعارگویان در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. عکس هایی از اسماعیل بخشی که زیر آن نوشته شده است "ما همه بخشی هستیم"

بیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه:

- دانشجویان دانشگاه چمران
- طومار اعتراضی با بیش از دویست امضاء از سوی فعالین کارگری و چهره های شناخته شده کارگری
- جمعی از شهروندان تهران
- جمعی از کارگران ساوه
از سایر کشورها
- پیام همبستگی اتحادیه کارگری یونیفور کانادا با بیش از ۳۰۰ هزار عضو
- کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار (CGIL)
- اتحادیه کارگران فورد آلمان
- اتحادیه معلمان انگلستان
در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب و سازمان های سیاسی آکسیونهای در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان سازمان داده شده است. این همبستگی ها ادامه دارد.
این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند!

- گروه اتحاد بازنشستگان،
- شورای بازنشستگان ایران،
- جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران،
- کارگران گروه مینا در کرج،
- کارگران چادرملو،
- آموزش و پرورش شوش و شاورر،
- سندیکای شرکت واحد،
- اتحادیه آزاد کارگران ایران،
- انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،
- فرهنگیان شاغل و بازنشسته،
- کارکنان کاغذپارس،
- کارکنان حریرپارس،
- کارکنان نیشکر میان آب،
- کارکنان و کارگران هپکو در اراک،
- کارکنان و کارگران پتروشیمی ماهشهر،
- کارگران عسلویه،
- کارگران قند شوش،
- کارگران آبداران شاورر،
- شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی،
- فرهنگیان شاورر و شوش،
- کارگران اداره مخابرات،
- نیروهای شرکتی مخابرات
- کارکنان بهداشت و درمان،
- فرهنگیان مشهد،
- بازاریان و مغازه داران شوش
...
- دانشجویان دانشگاه تهران
- دانشجویان دانشگاه علامه

کارگران ساختمانی بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی پناه،
انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود، کانون کارگران ساختمانی استان کردستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی روانسر،
انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین، کانون انجمن های کارگری (حرف) کرمانشاه، انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه،
انجمن صنفی کارگری اسلام آباد غرب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی پناه، انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سرپل ذهاب،
انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهری و حسن اباد فشافویه، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقرکلیایی،
انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور، انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه، انجمن کارگری ساختمانی هرسین، انجمن کارگری ساختمانی صحنه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبدان، کانون کارگران ساختمانی خوزستان،
انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت
- جمعی از معلمان ، کارگران و دانشجویان،

رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سندیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از وکلای تهران و کرج، واحد آتش نشانی قزوین، رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنفی آموزشگاههای رانندگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.
- کارگران گروه صنایع کاغذ پارس،
- جمعی از رانندگان شهر اصفهان،
- جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج،
- جمعی از معلمان عدالتخواه،
- حمایت ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی با امضاهای زیر: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره،
انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه،
انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد، انجمن صنفی

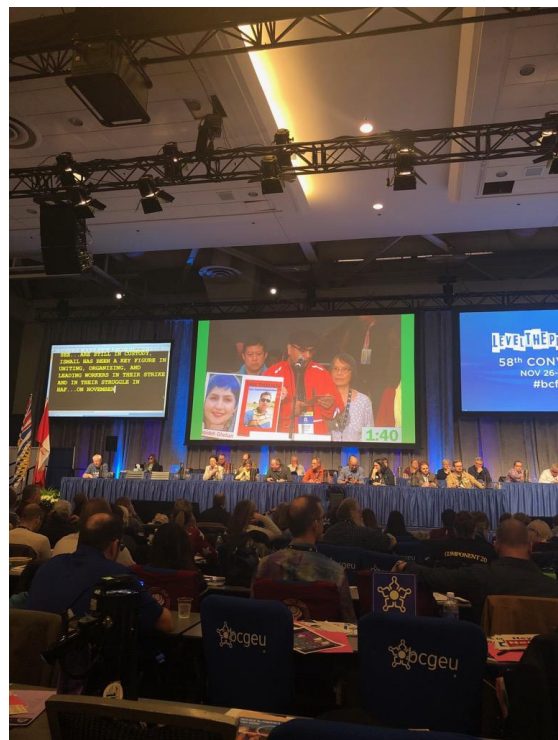
- کارگران آریان فولاد بوئین زهرا در استان قزوین
- جمعی از کارگران شاغل در شهرک های صنعتی جابان و خرمدرشت
- نیروهای پیمانکاری وزارت نفت
- کارگران معدن تراورتن عباس آباد
- فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی
- پخش کلیپ در همبستگی از کارگران نیشکر هفت تپه از سوی بخش های مختلف جامعه همچون معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و رانندگان کامیون که خود در اعتصابند، انتشار یافته است.
- بیانیه جمعی از کارگران و خانواده های کارگری سنندج در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز!
- کارگران گروه ملی فولاد اهواز،
- پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضاهای زیر است:
انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از

طنین صدای اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و کارگران مبارز هفت تپه در سائن کوانسیون فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا در ونکوور کانادا

همزمان با صحبت های مسعود ارژنگ عکسهای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان از طریق صفحه بزرگ تلویزیونی در سالن به نمایش درآمد و نمایندگان شرکت کننده در کنوانسیون نسبت به آنها و اعتراضات این کارگران ابراز احترام و احساسات کردند. در آخر کنوانسیون قطعنامه ای در حمایت از مبارزات کارگران ایران و پشتیبانی از کارگران هفت تپه تصویب کرد که به زودی انتشار خواهد یافت.

در این کنوانسیون بیش از هزار نماینده اتحادیه های کارگری استان بریتیش کلمبیا به نمایندگی از قریب پانصد هزار کارگر شرکت داشتند. گزارش از عباس ماندگار

shahla.Daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com
November 30, 2018



به حزب کمونیست کارگری پیوندید

کارگران نیشکر هفت تپه: ما همه بخشی هستیم

کنونی سنديکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به منزل مسکونی وی هجوم آوردند اما بعلت عدم حضور او موفق به دستگیری نشدند. حزب کمونیست کارگری تهدید و فشار بر روی کارگران معترض نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کرده و میخواید این پیگردها فوراً متوقف شوند.

همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد و هر روز گسترده تر میشود. حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به گسترش اعتراضات و اعتصابات همزمان و سراسری فرا میخواند. گسترش اعتراضات کارگری همزمان و اعتصابات سراسری یک شکل موثر برای تقویت و حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز است. باید فعالانه از آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دفاع کرد و تعرض به علی نجاتی را وسیعاً محکوم نمود. نمایندگان حکومت منفور اسلامی وقیحانه از کارگران تقاضای اعتماد میکنند و همزمان نمایندگان محبوسان را زندانی میکنند. ننگ و نفرت بر حاکمان سرمایه!

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی تشکیل شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران

است و تعویق پرداخت دستمزدهایشان اعتراض دارند. یک خواست فوری کارگران کوتاه کردن دست سرمایه داران خصوصی و قرار گرفتن شرکت زیر نظارت و کنترل خود کارگران است.

در رابطه با اعتراضات قدرتمند این کارگران نماینده ویژه وزارت کار در "امور نیشکر هفت تپه" طی سخنانی با اعلام اینکه آبان و آذر ماه فصل برداشت نیشکر است و اگر این کار صورت نگیرد ۳۵ هزار تن محصول ازین میروند، ابراز نگرانی کرده و با التماس میگوید "اگرچه کارگران هفت تپه و گروه ملی فولاد به کارفرمایان خود بی اعتماد شده اند، اما به وعده های وزارت کار اعتماد کنند و قطعاً مطالبات آنها پیگیری می شود". ادامه اعتراضات نشان میدهد که کارگران به آنها مطلقاً اعتماد ندارند. کارگران نیشکر هفت تپه با شعارهایی چون "مرگ برستمگر، درود بر کارگر"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "اسدیگی حیا کن هفت تپه را رها کن"، اعتراض خود را به کل این بساط چپاول و حاکمیت مشتی سرمایه دار دزد و مفتخور اعلام کردند.

گفتنی است که در این روز مامورین برای دستگیری علی نجاتی از چهره های شناخته شده کارگری و رئیس سابق و عضو

امروز ۶ آذر تجمعات اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه با شور و اتحاد ادامه دارد. کارگران در بیست و سومین روز از اعتراضات خود با شعارهایی چون "اسماعیل رو گرفتند، ما همه بخشی هستیم"، "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" در شمار زیاد و صفوف فشرده ای مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و بر خواستهای خود با قاطعیت تاکید کردند. کارگران در این اعتراضات عزم جزم خود را برای تداوم مبارزاتشان اعلام میکنند. اولین خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه آزادی اسماعیل بخشی نماینده محبوبشان و سپیده قلیان خبرنگار و فعال دانشجویی است که در جریان اعتراضات کارگران هفت تپه بازداشت شده است.

کارگران بعد از تجمع در مقابل فرمانداری به سمت خیابانهای اصلی شهر حرکت کردند و در میدان هفت تیر با فریاد کارگر زندانی آزاد باید گردد و با شعار "همشهری با غیرت حمایت، حمایت" مردم شهر را به پیوستن به صف خود فراخواندند. مردم به اشکال مختلف از حرکت کارگران حمایت میکردند. کارگران نیشکر هفت تپه به بساط دزدسالاری حاکم که باعث به تعطیلی کشیده شدن خطوط تولید این کارخانه و ناامنی شغلی آنها شده



ورونیکا که راکر و نگاهی به نقد اسلام ...

از صفحه ۶

میتوانید ببینید ایشان ممنوعیت حجاب در این مدرسه را قبول ندارد و نقد به حجاب را کاملاً درز میگیرد. در حالیکه حجاب یک وسیله اعمال فشار مذهبی به زنان و دختران است. امروز حتی کودکان را مجبور میکنند خود را بپوشند و این حجاب و یا پوشاندن کل بدن را این جنس مونث باید تا آخر عمر رعایت کند به این دلیل که خدا اینرا توصیه کرده است!

ما نباید بدلیل اینکه تعدادی احمق به زنان محجبه توهین های راسیستی میکنند، خودمان را به حماقت زده و به مقابله با معضلات نپردازیم. باید کار آگاهگرانه کرد، در آن مدرسه باید چنین کند و باید به نقد حجاب و زن ستیزی اسلامی پرداخت و باید به نقد سیستمی در غرب و آلمان پرداخت که با اینها مماشات و همکاری میکند.

مذاهب همه از بنیان مردسالار هستند، درست بهمین دلیل این یک تف سر بالا است وقتی حجاب زنان را بعنوان قدرت زنان به افکار عمومی میفروشد. مگر نمی بینید که در کشورهای اسلامزده آن همه

نوعی خنثی تر تعریف میکنند مذهب اسلام حتی در آن دنیا نیز رسماً مردسالار است. در آن دنیا به مردان وعده سکس بی نهایت و ترمیم شدن بکارت مجدد زنانی که با مردان رابطه داشته اند داده میشود یک فانتزی مردانه از سکس. در آن دنیا نیز معلوم نیست زنان چه جایگاهی خواهند داشت، یک چیز البته معلوم است آن دنیا نیز زنان از مردسالاری رها نمیشوند، مرد سالاری که از کودکی تا روز مرگشان آنها را آزار داده است.

امروز وقتی در مورد نقد مذهب حرف میزنیم بسیاری از فمینیست ها ساکت هستند. بویژه وقتی از نقد اسلام حرف میزنیم، فمینیست ها از دو زاویه این نقد را نمی پسندند، از یکسو یک تفکر وارونه ضد راسیستی که از نظر آنها نقد به اسلام، پس زدن مسلمانان است و راسیستی است، و دوم اینکه دلسوزی عجیب اینها برای اقلیت ها و نقش قیم بازی کردن برای اقلیت ها.

این نگرانی بیش از حد را در رفتار آنها فرناک از مسئولین یکی از مدارس در استان هسن

زن به خیابان میروند و علیه حجاب فریاد میزنند، وقتی شما حجاب را نوع دیگری تفسیر میکنید و از آن دفاع میکنید عملاً با خشونت مردسالارانه متکی بر مذهب مماشات میکنید.

در یکسو کسانی که به صندلی مردسالاری تکیه زده اند سعی دارند ستم برزنان در کشورهای اسلامزده را کم رنگ و کم اهمیت جلوه دهند، و در سوی دیگر هم ما شاهد تقلاهای فمینیست هایی هستیم که با جدیت و با تمام وجود به توجیه و کم اهمیت جلوه دادن خشونت سیستماتیک بر زنان در کشورهای اسلام زده مشغولند.

یک جامعه شناس برلینی بطور مثال دانیلا هرزان، می گوید من از یک زاویه دیگر به مسائل نگاه میکنم و نه از نگاه زنان سفید غربی. او میگوید ختنه زنان و یا مثله کردن جنسی زنان را باید درک کرد. این یک برش در واژن زنان است و برای آنها که در جایی دیگر با فرهنگی دیگر کار میکنند چندان وحشتناک نیست. او نمی پذیرد که مثله جنسی کردن زنان، فرق نمیکند در کجا و با کدام فرهنگ، یک تعرض وحشتناک به جسم و روح زنان است و نه یک

فرهنگ که زنان سفید غربی باید آتزا با دید دیگری نگاه کرده و بپذیرند.

این فمینیست ها از فرهنگ دیگر حرف میزنند و میگویند این فرهنگ قابل دفاع است، مثلاً همین خانم سارسور که سازمان دهنده میتینگ زنان در واشنگتن بود، از ۱۷ سالگی مجبور به ازدواج اجباری شده و خودش اکنون واضح از این ازدواج اجباری دفاع میکند و میگوید همین اجبار به ازدواج از او یک زن رزمنده ساخته است.

این نوع نگرش متاسفانه در بین زنان جوان زیادی در غرب مورد قبول است. ما امروز در مجلاتی همانند Missy Magazine یا Bento عکس تبلیغاتی زنان محجبه با لبخند را می بینیم که آنها را بعنوان الگوی اعتماد بنفس و یا استقلال به افکار عمومی میفروشد.

این وقایع در عین حال به این دلیل است که خواست مارکسیستی و عینی جهانشمولی حقوق انسانی و آزادی رهایی جهانشمول زیر سوال رفته است. اولاً منظور از جهانشمولی حقوق انسانی یعنی برابری حقوق همه مردم و نه فقط مردان، و جابجا کردن این اصل

مهم با یک کولتورالیسم و یا نسبیت فرهنگی ارتجاعی، یعنی همان کاری که سار سور و سیری میکنند، آنهایی که اسلام را بعنوان دین محبوب و لطیف طرفدار حقوق زن معرفی میکنند و از فمینیسم اسلامی حرف میزنند، در حقیقت جاسوسان دو جانبه مردسالاری هستند که از هر جهت به مردسالاری خدمت کنند.

یک اسلام که دیگر ایدئولوژی سیاسی نیست و مثلاً فقط مذهبی است که با انتقادات کنار می آید و بجای بستن دهانها و مجازات مخالفین، گوش به انتقادات میدهد فقط میتواند از زاویه پراگماتیستی یک سرآغاز باشد. در این اوضاع میتوان از تفسیر لیبرال قران دفاع کرد و ابدأ هم نباید به آن قناعت کرد.

رفرم در اسلام و یا سکولاریزه کردن اسلام، حتی اگر امکان پذیر باشد، باید گام اول باشد در رهایی از دست مذهب و رها شدن از دست مذاهب و مذهب زدایی حق همه مردم است.

اصلاحات و سکولاریزاسیون، اگر حتی امکان پذیر باشد، تنها یک قدم در جهت غلبه بر دین است. و آزادی از دین برای آزادی همه مردم ضروری است.

فراخوان به حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز

آذربایجان نظیر پالایشگاه و پتروشیمی تبریز، ماشین سازی و تراکتورسازی و پتروشیمی ارومیه و فولاد اردبیل را فرا میخواند که به هر شکل ممکن گسترده و سرتاسری بپیوندند!

انتظار کارگران هفت تپه و مردم شوش و کارگران فولاد اهواز و رهبران این اعتصابات که در سخنرانی هایشان کارگران سایر مناطق ایران را نیز مورد خطاب قرار داده اند، از کارگران، معلمین و دانشجویان و مردم در آذربایجان اینست که از مبارزه و خواستهای آنها حمایت شود.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آذر ۱۳۹۷،
۲۴ نوامبر ۲۰۱۸

قدرتمند، همه کارگران، دانشجویان و معلمین و زنان در شهرهای آذربایجان را فرامیخواند که به این حمایتهای

گسترده و سرتاسری بپیوندند!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری مخصوصاً کارگران مراکز مهم کارگری در

قلیان را آزاد کنند و عزم جزم کرده اند که تا آزادی آنها و تحقق همه خواستهایشان، اعتصاب و مبارزه را ادامه دهند.

حمایتهای گسترده از سرتاسر ایران از این اعتصابات، تنها محدود به دهها مرکز کارگری و انجمنهای صنفی و تشکلهای کارگری نیست، بلکه این اعتصابات حمایتهای دانشجویان در خوزستان و تهران و چندین شهر دیگر، وکلا و معلمین و بازنشستگان و رانندگان و کسبه و اصناف مختلف را نیز بخود جلب کرده است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از این اعتصابات

نماینده جسوری مانند اسماعیل بخشی با فراخوانهایشان به مردم شهر شوش، معلمین و دانشجویان و کسبه و به مردم شهرهای خوزستان برای حمایت از اعتصابات و خواستهای بحقشان، که خواستهای میلیونها کارگر و حقوق بگیر و کارمند و اکثریت قریب باتفاق جامعه میباشد، جنبش کارگری را به جایگاهی رساند که میتواند صحنه سیاست در ایران را به نفع همه مردم تغییر دهد. کارگران هفت تپه و مردم شوش در این بیست روز آنچنان مبارزه شورانگیزی را پیش بردند که توانستند دستگیرشدگان به غیر از اسماعیل بخشی و سپیده

کارگران، معلمین، زنان، جوانان و مردم آذربایجان!

همانطور که میدانید، کارگران نیشکر هفت تپه از بیست روز قبل و کارگران فولاد اهواز از دوازده روز قبل، در اعتصابات شورانگیزی قرار دارند. در طی این مدت کارگران هفت تپه با اتکا به مجمع عمومی و شورای منتخب شان، توانستند، هیئت نمایندگی خودشان را تشکیل و کار سازماندهی و هدایت اعتراضات شان را به بهترین شکل ممکن که در طول تاریخ ۴۰ سال گذشته جنبش کارگری نظیر نداشت، عملی کنند. این نمایندگان کارگری و در راس آنها

در نقد "ابتکار اسلام سکولار"

اخیرا چند شخصیت سرشناس آلمان از جمله حامد عبدالصمد، نجلا کله ک، سیران آتش و جم ازد میر و... تشکلی به نام ابتکار اسلام سکولار را اعلام کردند.

ابتکار اسلام سکولار با پخش یک مانیفست و همچنین یک طومار همراه است.

<https://www.openpetition.de/petition/online/initiative-saekularer-islam>

در آغاز مانیفست این ابتکار آمده است که بزودی چهارمین کنفرانس اسلام در آلمان آغاز میشود و ما به این مناسبت این ابتکار را اعلام میکنیم و مینویسند:

"ما از فرمت جدید کنفرانس اسلام در آلمان بسیار خوشحالیم. ترکیب شرکت کنندگان گسترده است و در حال حاضر ناهمگونی اسلام را به مراتب بهتر از سال های گذشته نشان می دهد. ما امیدواریم که مذاکرات در مورد اسلام در آلمان از سر گرفته شود."

نهاد اکس مسلم از بدو تاسیس خود در سال ۲۰۰۷ با نقد کنفرانس اسلام آلمانی (Deutsche Islamkonferenz)، شروع به کار کرد. واقعیت این بوده و هست که جنبش اسلامی در کشورهای مبدا همچون ایران و عراق و سودان و افغانستان و... با تعرض به زندگی مردم و تحمیل قوانین و سنت های ضد انسانی زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده و سپس در اروپا نیز جای پای خود را محکم کردند. دولت آلمان کوشید با به راه انداختن کنفرانس اسلام و آوانس دادن به سازمان های اسلامی به اصطلاح به مقابله با تروریسم در آلمان برخیزد و آنها را زیر کنترل گرفته و به نوعی در مقابل تلاش های تروریستی اسلامی بایستند سپس اعلام کردند این تقلای برای دیالوگ با مسلمانان و جلوگیری از رادیکال شدن جوانان و ادغام مسلمانان در جامعه آلمان!

دولت آلمان برای توجیه کردن این اقدام در ابتدا بر پیشانی ۴ میلیون انسان مهر مسلمان زد و با نمایندگان سازمان های ضد زن و عقبگرای

اسلامی که اکثر آنها روابط مستقیمی با کشورهای اسلامی مبدا دارند، نشست و برخاست کرد و به آنها امکانات مادی و معنوی زیادی داد، تا آنها را راضی به شرکت و دخالت در این کنفرانس کند. به مرور زمان سازمان های اسلامی حق دخالت در امور سیاسی، فرهنگی، آموزش و پرورش و حتی در استانها و یا شهرهایی همچون هامبورگ و برمن، حق دخالت در اداره کردن امور استانها را تصاحب کرده و به سانسور در تلویزیون و مطبوعات و یا تحمیل برخی قوانین شرعیه در آلمان دست زدند. در نهایت بعد از ۱۲ سال شاهد این هستیم که مساجد و امام های آنها تعداد زیادی را روانه سوریه و همکاری با سازمان اسلامی داعش کردند، در آلمان حجاب را بر کودکان تحمیل کردند، بورکینی را رسمیت دادند، و حلال و حرام را تا سطح مدارس آلمان کشیده و مدارس اسلامی زیادی را تاسیس کرده و قتل ناموسی و ازدواج کودکان را

بیش از پیش رسمیت دادند. بعد از گذشت ۱۲ سال از اجرای همکاری و مداخلات با سازمان های اسلامی اکنون اسلام و سنت های اسلامی نقش بیشتری در زندگی اجتماعی در آلمان پیدا کرده و سازمان های اسلامی خواست های بیشتری را به سیستم تحمیل کرده اند. اکنون ظاهرا برای مقابله با این روند، بدلیل اعتراضات گسترده در جامعه، سیاست دولت آلمان اینست که یک اسلام اروپایی و یا آلمانی را سرهم بندی کند.

ولی کماکان سوال ما اینست که چرا مذهب و اسلام این جایگاه رفیع را دارد؟ چرا نمیتوان از پرنسپ جامعہ سیویل و یا مدنی دفاع کرد که به حقوق فرد مستقل از ملیت، تعلق مذهبی و یا جنسیت و رنگ پوست معتقد است؟

اسلام در چند دهه اخیر مهم شده است، نه بدلیل اینکه مردم مسلمان تر و رادیکال تر شده اند، بلکه اساسا به این دلیل که یک جنبش ضد انسانی اسلامی سر برآورده و در سیاست دخالتی بمراتب وسیع دارد. اسلام در آلمان مهمتر شده است چرا

که سازمان های اسلامی وابسته به حکومت اسلامی ایران، اردوغان و عربستان سعودی و داعش در اینجا حضور و فعالیت دارند و از دولت امتیاز میگیرند و دولت آلمان بدلیل سیاست همراهی با دولتهای مزبور و حکومت های اسلامی با این سازمانها نیز کنار می آید.

تراژدی تلخ اینست که "ابتکار اسلام سکولار"، در همین زمین بازی میکند و ظاهرا خواهان اسلام آلمانی است. اسلام آلمانی وجود ندارد. اسلام یک دین و یک اینتولوزی و یک سیستم فکری است که اولاً معتقد است همه چیز از قبل معین شده و الله بر همه چیز مسلط است و دستورات او قانون همیشگی زندگی انسانها باید باشد و اگر تخطی از این قوانین بشود میتوان فرد منتقد و معترض را کشت. این دین، دین عبودیت و بندگی و جنایت و انسانی ستیزی و کودک آزاری و آزار حیوانات و... است.

مسلمان سکولار وجود دارد ولی نه

اسلام سکولار.

ما میتوانیم مشکلات و خواست های که امضا کنندگان بیان میکنند را کاملاً درک کنیم. اینکه سازمان های رادیکال اسلامی و وابستگان به دولتهای فاشیست و اسلامی نیابند اینجا به اسم همه مردم حرف بزنند، اینکه سازمان های دست راستی و راسیست از این معضلات سو استفاده کرده و فضای ضد پناهندگی و ضد خارجی دامن میزنند و اینکه بسیاری از مردم "مسلمان" مخالف سیاست های ضد انسانی سازمان های اسلامی هستند و...

اما پاسخ این معضلات اتفاقاً اینست که از پرنسپ جامعہ مدنی با صدای بلند دفاع بشود و توهم مشغول شدن به اسلام و بزک کردن این دین ضد انسانی را در بین مردم دامن نزنیم. باید از دولت آلمان خواست به پرنسپ جامعہ سکولار احترام گذاشته و کنفرانس اسلام را ملغی کرده و اعلام کند اسلام و یا یهودیت و یا مسیحیت، جایی در سیاست نباید داشته باشند و همه ساکنین در آلمان مستقل از رنگ پوست و عقیده و مذهب، باهم برابر

هستند و همه باید از پرنسپ جامعہ مدرن استفاده کنند. جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و مقدرات اجتماعی مردم، باید با صدای بلند فریاد زده شود.

نگرانی از رشد دست راستی ها نیز با ابتکار اسلام سکولار پاسخ نمیگیرد. برای مقابله با رشد خارجی ستیزی و سازمان های راسیست و ضد مسلمان، باید مقابل رشد و دخالت سازمان های اسلامی را گرفت، باید برقع در ملا عام را ممنوع کرد، باید حجاب کودکان را ممنوع کرد، باید مذهب را امر خصوصی افراد نامید و هیچ آوانسی به سازمان های اسلامی نداد.

یک سیاست روشن و واضح در دفاع از سکولاریسم و پس زدن دخالت مذاهب در زندگی همه ما میتواند، پاسخی به این معضل باشد و نه بزک کردن اسلام و فروختن آن به افکار عمومی به عنوان اسلام اروپایی! از طریق اسلام نمیتوان هیچ حقوق بشری را پیاده کرد.

نهاد اکس مسلم / آلمان

۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

اسماعیل را گرفتند ما همه بخشی هستیم

اطلاعیه شماره ۴ کمپین آزادی اسماعیل بخشی

از شوش چه خبر، جمعه ۹ آذر ۱۳۹۷

تجمع کارگران با خواست آزادی کارگران زندانی!

اعتراضات مردم در ایران و همچنین اعتراضات بین المللی مجبور میشود، جا خالی داده و بگوید، اسماعیل بخشی شکنجه نشده است. همین تکذیب نامه ها به زور اعتراضات شما کارگران و مردم آزاده به حکومت شکنجه تحمیل شده است. باید اعتراضات را گسترش دهیم و باعث شویم کارگران زندانی و سپیده قلیان فوراً آزاد شوند.

کمپین آزادی اسماعیل بخشی

۹ آذر ۱۳۹۷ / ۳۰ نوامبر

۲۰۱۸

دست داشتند، عکسهای کوچک بخشی را همه در دست گرفته و فریاد میزدند فوراً آزادش کنید! یک خواست مردم و کارگران هفت تپه و خانواده دستگیر شدگان اینست که محل نگهداری عزیزان آنها مشخص شود و امکان دیدار با خانواده و همچنین امکان ملاقات و وکیل با زندانیان، به آنها داده شود.

حکومت اسلامی ایران که در پرونده خونین خود، شکنجه و قتل و اعدام و وادار کردن زندانی به خودکشی را دارد، اکنون در مقابل نگرانی خانواده ها و

امروز جمعه از ساعت ۷ کارگران جمع شدند و مسیر را تا فرمانداری شوش با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد حرکت کردند. در مسیر هم مردم به تجمعشان پیوستند. تجمع همچنان با خواست های مطرح شده و تاکنونی ادامه دارد. در عین حال وکیل همچنان از محل نگهداری علی نجاتی و مجید رعایایی مهمان علی نجاتی که او هم دستگیر شده است، بی خبر است!

کارگران در حالیکه بنر بزرگی را با عکس اسماعیل بخشی در

درخواست اضطراری از فدراسیون ها و اتحادیه های کارگری

کارگران نیشکر هفت تپه و بازداشت شدگان در این مجتمع کارگری نیاز به حمایت جهانی دارند

حتما در جریان مبارزات ۶۰۰۰ کارگری نیشکر هفت تپه در خوزستان در جنوب ایران هستید. مبارزه ای که از روز ۵ نوامبر اعتصاب و تجمعات هر روزه شروع شده و همچنان ادامه دارد. روز ۱۸ نوامبر نیروهای امنیتی حکومت ۱۸ نفر از کارگران شامل تمام اعضای شورای مستقل کارگران و تعدادی از فعالین اعتصاب را همراه با سپیده قلیان، دختر دانشجویی که برای خبرنگاری به میان کارگران رفته بود دستگیر کرد. تداوم اعتراض قدرتمند کارگران نیشکر که با حمایت خانواده های آنها و کل مردم شهر بود جمهوری اسلامی را وادار کرد اکثر کارگران را آزاد کند. اما اسماعیل بخشی، رهبر کارگران نیشکر که نقش مهمی در متحد کردن و

متشکل کردن و هدایت اعتصاب و اعتراض کارگران داشت و سپیده قلیان همچنان در زندان نگهداشته شده اند بدون هیچ ملاقاتی به خانواده او و بدون اینکه سیستم قضایی حکومت کوچکترین اطلاعاتی در مورد وضعیت آنها به کارگران و مردم بدهد. طبق گزارشی موثق اسماعیل بخشی را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده اند بطوریکه سر و صورت و بدنش در اثر شکنجه کبود شده و دچار خونریزی شدید معده شده است. تلاش شکنجه گران این است که او را وادار به اعترافات کنند و اسماعیل بخشی این اتهامات را نپذیرفته و زیر شکنجه نیز بر خواست های کارگران پافشاری کرده است. این رهبر کارگری شایسته بیشترین حمایت در سطح بین المللی است.

اسماعیل بخشی بدلیل سخنرانی های شجاعانه اش، بدلیل نقشی که در رهبری این اعتراض بزرگ کارگران داشت، امروز به یکی از رهبران محبوب کارگران هفت تپه و به نماد جنبش کارگری در سطح کشور تبدیل شده و در سراسر کشور موجی از همبستگی با او و کارگران اعتصابی به راه افتاده است. جمهوری اسلامی قصد دارد با زندانی کردن و شکنجه او جنبش کارگری و فعالین کارگری که در سراسر کشور دست به اعتصابات وسیعی میزنند را مرعوب کند و آنها را عقب براند.

همچنین مطلع شدیم که امروز ۲۹ نوامبر ماموران حکومت به خانه علی نجاتی عضو سنیکای نیشکر هفت تپه رفته و او را در حضور اعضای خانواده اش ضرب و شتم قرار داده و همراه با پسرش پیمان نجاتی دستگیر کرده اند. در این روز نیز مانند روزهای قبل کارگران در اعتراض به وضعیت سخنگویشان اسماعیل بخشی با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد به خیابان آمدند. دستگیری علی نجاتی و فرزندش پیمان نجاتی و پاسخ نگرستن خواسته هایشان بر اعتراض کارگران و خشم و نفرت آنها شدت داده است.

کارگران نیشکر مانند میلیون ها کارگر دیگر با معضل تعویق پرداخت دستمزدهایشان روبرو هستند و هم اکنون چهار ماه حقوق خود را طلب دارند. این در حالی است که سطح دستمزدها چند بار زیر خط فقر است. این کارگران خواهان قطع دست پیمانکاران و بخش خصوصی و اداره شرکت تحت نظارت شورایشان هستند. یک خواست آنها به رسمیت شناخته شدن شورای آنهاست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از کلیه فدراسیون های کارگری، اتحادیه های کارگری و نهادهای انسان دوست در سراسر جهان انتظار دارد که به دلیل اضطراری بودن موضوع، دست به اقدامی عاجل بزنند و جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند و مجبور کنند دست از شکنجه اسماعیل بخشی بردارند و او، علی نجاتی، پیمان نجاتی و سپیده قلیان را فوراً آزاد کنند و به پرونده سازی علیه فعالین کارگری و امنیتی کردن اعتراضات آنها

حمایت و پشتیبانی کنید.
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar
2@gmail.com
http://free-them-
now.com
November 29,
2018

اعتراضاتشان تاکید کردند. گفتنی است که در روز قبل از این روز نیز جمعی از بازنشستگان بانگها در تهران در اعتراض به پایین بودن سطح حقوقهایشان مقابل صندوق بازنشستگی بانگها تجمع داشتند. اعتراضات و خواسته های بازنشستگان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شورا ها
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ آذر ۱۳۹۷، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

تجمع بازنشستگان مقابل اداره کار
درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید

از ساعت ده صبح امروز سه شنبه ۶ آذر بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده بیش از ۳۰۰ نفر از بازنشستگان در ادامه تجمعات سراسری خود برای پیگیری خواسته هایشان در مقابل اداره کار در تهران تجمع کردند. در این روز تجمع کنندگان با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"، مردم را به همبستگی با مبارزانشان فراخواندند. در طول برگزاری این پلبس ولباس شخصی ها حضور پررنگی داشتند. اما بازنشستگان با شعارهای کوبنده شان به اعتراضشان ادامه میدادند.

شعارهای دیگر بازنشستگان در این روز عبارت بودند از: "معیشت، امنیت، سلامت حق مسلم ماست"، "فریاد از این همه بیداد"، "حقوق ما ریاله، هزینه ها دلاریه"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "حقوقهای نجومی، فلاکت

حقوقی و رفاهی بازنشستگان را تضمین میکند".

تجمع اعتراضی بازنشستگان در این روز تا ساعت یازده ادامه داشت و در این ساعت وقتی گروهی چند نفره از "بازنشستگان پارک شهر" میخواستند جهت مذاکره به داخل محوطه و سالن وزارت کار بروند، جمعیت با بی نتیجه دانستن مذاکره با کسانیکه در چپاول سفره بازنشستگان دست دارند، به نشانه اعتراض به تجعشان خاتمه دادند. بازنشستگان در این روز بر ادامه

های بازنشستگان عبارت بودند از: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "تشکل، اعتراض و اعتصاب حق مسلم ماست"، "جای معلم، زندان نیست"، "همه نهادهای مسئول باید جوابگوی فقر و فلاکت بازنشسته ها باشند"، "مبارزه با فساد و اختلاس یکی از راههایی است که امنیت

عمومی"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "سفره ما خالیه، یز شما عالیه"، "خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "این همه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی".

شعارهای اعتراضی بازنشستگان بیان خواسته های آنان است. بازنشستگان در این روز با فریاد شعارهایشان اعتراض خود را به زندگی زیر خط فقر، به گرانی و تورم، به تبعیض و نابرابری و به کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم و فاصله عمیق طبقاتی در جامعه اعلام کردند.

در این تجمع اعتراضی بازنشستگان تراکت هایی در دست داشتند که بر روی آنها محورهای اعتراضاتشان را نوشته بودند. حق تشکل، اعتراض و اعتصاب و آزادی معلمان زندانی دو محور مهم این دست نوشته ها بودند. متن تراکت

فشار به اسماعیل بخشی برای پذیرش اتهامات واهی علی نجاتی و پیمان نجاتی دستگیر شدند

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد و موج حمایتها از کارگران رو به گسترش است. روز ۸ آذر ماه کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری خواستها و در اعتراض به ادامه بازداشت و فشار بر روی اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان در زندان در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. در این تجمع عکس اسماعیل بخشی که زیر شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" نوشته شده در دست کارگران توجه ها را جلب میکرد. در این روز زیر فشار اعتراضات کارگران "سید راضی" نماینده مجلس اسلامی به میان کارگران آمده بود، اما کارگران با شعار "سید راضی حیا کن، شوش ما را رها کن"، اجازه صحبت به او ندادند و شعار کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد سر داده شد. کارگران همچنین با شعار "نه رستمی، نه بیگی، شرکت بشه دولتی" اعتراض خود را به بساط دزدسالاری مالکین خصوصی که تولید کارخانه را در بخش های مختلفش به تعطیلی کشانده اند ابراز کردند. کارگران نه فقط خواهان کوتاه شدن دست بخش خصوصی هستند بلکه با تاکید بر نظارت شورای مستقل کارگران بر عملکرد شرکت، مخالف یک تازی مدیران دولتی هستند. بنا به گفته نمایندگان کارگران تجربه همه سالهای گذشته نشان داده است که هر دو این بخشها فقط به زیان کارگران عمل کرده اند. کارگران بدنبال تجمع در مقابل فرمانداری در حالیکه بنر بزرگی با عکس اسماعیل بخشی و بنرهای دیگری که بر روی آنها خواستههایشان را نوشته بودند در دست داشتند، بسوی خیابانهای شهر راهپیمایی کردند و شعار "کارگر زندانی، آزاد باید گردد" در همه جا سر داده شد.

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد و موج حمایتها از کارگران رو به گسترش است. روز ۸ آذر ماه کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری خواستها و در اعتراض به ادامه بازداشت و فشار بر روی اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان در زندان در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. در این تجمع عکس اسماعیل بخشی که زیر شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" نوشته شده در دست کارگران توجه ها را جلب میکرد. در این روز زیر فشار اعتراضات کارگران "سید راضی" نماینده مجلس اسلامی به میان کارگران آمده بود، اما کارگران با شعار "سید راضی حیا کن، شوش ما را رها کن"، اجازه صحبت به او ندادند و شعار کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد سر داده شد. کارگران همچنین با شعار "نه رستمی، نه بیگی، شرکت بشه دولتی" اعتراض خود را به بساط دزدسالاری مالکین خصوصی که تولید کارخانه را در بخش های مختلفش به تعطیلی کشانده اند ابراز کردند. کارگران نه فقط خواهان کوتاه شدن دست بخش خصوصی هستند بلکه با تاکید بر نظارت شورای مستقل کارگران بر عملکرد شرکت، مخالف یک تازی مدیران دولتی هستند. بنا به گفته نمایندگان کارگران تجربه همه سالهای گذشته نشان داده است که هر دو این بخشها فقط به زیان کارگران عمل کرده اند. کارگران بدنبال تجمع در مقابل فرمانداری در حالیکه بنر بزرگی با عکس اسماعیل بخشی و بنرهای دیگری که بر روی آنها خواستههایشان را نوشته بودند در دست داشتند، بسوی خیابانهای شهر راهپیمایی کردند و شعار "کارگر زندانی، آزاد باید گردد" در همه جا سر داده شد.

همچنین بنا بر گزارش منتشر شده از سوی کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت تپه امروز هشتم آذرماه علی نجاتی از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با هجوم ماموران امنیتی و نیروی انتظامی به منزل اش بازداشت شد. ماموران هیچ نوع حکمی نداشته و در مقابل درخواست علی نجاتی و خانواده مبنی بر ارائه حکم، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مامورین با ضرب و شتم علی نجاتی و خانواده اش، او و پسرش پیمان نجاتی را دستگیر کردند. در این میان به دلیل فشار عصبی به

علی نجاتی وضع جسمی او بد میشود و علیرغم اینکه نجاتی به بیماری قلبی مبتلاست، سرویکران حکومت او را با خود میبرند. دستگیری علی نجاتی فضای اعتراض و خشم کارگران را شدت داده است.

موج همبستگی ها با کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد و ابعاد بیسابقه ای پیدا کرده است. همانطور که قبلا به اطلاع رساندیم یک طومار حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه در ایران به جریان افتاده است. تا هم اکنون بیش از هزار نفر از مردم این طومار را امضا کرده و به دستگیری اسماعیل بخشی و سروکوب کارگران هفت تپه اعتراض کرده اند. کارزاری تحت عنوان "کنار هفت تپه و فولاد ایستاده ایم" نیز در گروه های مدیای اجتماعی از سوی جمعیت زیادی از معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی به راه افتاده و ادامه دارد. بیانیه ای نیز از سوی چند صد نفر از فعالین سیاسی، اجتماعی و جمعی از خانواده جانبختگان و زندانیان سیاسی در حمایت از خواسته های بحق کارگران نیشکر هفت تپه منتشر شده است. گروههایی از دانشجویان دانشگاه هنر تهران نیز با دست نوشته هایی حمایت خود را از کارگران نیشکر هفت تپه ابراز کردند و با شعار دادن و سرود خواندن خود را کنار کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز قرار دادند. شماری از تشکلهای مردمی از جمله سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، انون صنفی فرهنگیان شهرستان الیگودرز و انون نویسندگان ایران طی بیانیه هایی از مبارزات و خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز اعلام حمایت کرده و خواستار آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشتی ها شده اند. در روز هفت آذرماه نیز دانشجویان دانشگاه

زنجان با در دست داشتن پلاکاردهایی حمایت و همبستگی خود را با کارگران هفت تپه اعلام کردند. دانشجویان روی

پلاکاردهایشان نوشته بودند 'کارگر، معلم، اتحاد'، "ما دانشجویان با کارگران هفت تپه اعلام همبستگی میکنیم"، فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم"، "نان کار آزادی". علاوه دانشجویان دانشگاه های نوشیروانی بابل؛ دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشگاه تهران و دانشگاه هنر تهران همبستگی خود را با تجمع و شعار دادن و بلند کردن پلاکاردهایی با کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند.

در سطح بین المللی اخیرا کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (س ژ ت) طی بیانیه ای از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه شده است. در نمونه های دیگری دانشجویان دانشگاه جهان وطن شهر مونیخ آلمان با در دست گرفتن بنری که رویش نوشته شده "ما همه هفت تپه هستیم" اعلام حمایت و پشتیبانی کرده اند. دانشجویان دانشگاه زوریخ سوئیس نیز حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران

نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند. لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه ضمیمه است.

امروز صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه جهانی شده است. در ایران نیز بخش های مختلف مردم کارگران، معلمان، بازنشستگان، خانواده های زندانی سیاسی، همه و همه دارند با این مبارزات اعلام همبستگی میکنند. وقت آنست که با حرکت های گسترده تر و قدرتمندتری نظیر اعتصاب عمومی و اعتصابات سراسری به سروکوب کارگران نیشکر هفت تپه اعتراض کنیم و خواهان آزادی اسماعیل بخشی و علی نجاتی، پیمان نجاتی و سپیده قلیان شویم. میتوان با برپایی اجتماعات بزرگ خصوصا در شوش در مقابل دادگستری به این نهاد آشکار سروکوب و جنایت حکومت، فشار آورد و تمامی بازداشت شدگان را آزاد کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی تشکیل شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ آذر ۹۷، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود